



www.  
www.  
www.  
www.

Ghaemiyeh

.com  
.org  
.net  
.ir

# سیدیکی جلد ایامِ موضعی

حداشتگار، معادشناسی، انسان‌سازی

میرزا علی‌اکبر

در کتابخانه ملی اسلام و اسلامی

میرزا علی‌اکبر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سیری در آیات موضوعی: خداشناسی، معادشناسی، انسان سازی

نویسنده:

## حمید الهی دوست

ناشر چاپی:

نسیم حیات

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

فهرست

۵	سیری در آیات موضوعی: خداشناسی، معادشناسی، انسان سازی
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست مطالب
۱۹	مقدمه
۲۵	آیات خداشناسی
۲۵	۱. براهین اثبات خداوند
۲۵	برهان حدوث و حرکت
۲۷	برهان علت و معلول
۲۹	برهان امکان و وجوب
۳۰	۲. مراتب توحید
۳۰	اشاره
۳۰	الف) توحید ذاتی
۳۰	اشاره
۳۲	دلیل عقلی
۳۴	دلیل نقلی
۳۶	ب) توحید افعالی
۳۶	اشاره
۳۷	توحید در خالقیت
۳۸	توحید در ربویت
۴۰	ج) توحید در عبادت
۴۲	د) توحید در استعانت
۴۳	۳. اسماء حسنای الهی

۴۶	۴. آیات آفاقی و آیات افسی
۴۶	اشاره
۴۷	آیات آفاقی
۴۸	آیات افسی (خداشناسی فطری)
۴۹	۵. مراتب شرک (شرک جلی)
۴۹	اشاره
۵۰	الف) شرک در ذات
۵۱	ب) شرک در عبادت
۵۲	ج) شرک در ریوبیت
۵۳	۶. شرک در عمل (شرک خفی)
۵۳	۷. شرک بزرگ ترین گناه نابخشودنی
۵۵	آیات معاد شناسی
۵۵	اشاره
۵۶	۱. ضرورت معاد
۵۷	۲. امکان معاد
۵۸	۳. براهین معاد
۵۸	الف) برهان حکمت
۵۹	ب) برهان رحمت
۶۰	ج) برهان عدالت
۶۱	۴. ایمان به معاد و آخرت
۶۲	۵. عدم ایمان به آخرت
۶۶	۶. مرگ
۶۸	۷. بزخ
۷۰	۸. در آستانه قیامت
۷۰	اشاره
۷۲	زمان قیامت

۷۴	۹. نفح صور
۷۶	۱۰. محشر
۷۷	۱۱. حساب
۷۹	۱۲. شاهدان
۸۱	۱۳. میزان
۸۳	۱۴. شفاعت
۸۶	۱۵. اعراف
۸۷	۱۶. دوزخ و اوصاف آن
۸۹	۱۷. بهشت و اوصاف آن
۹۳	۱۸. معاد جسمانی
۹۷	آیات انسان سازی (اخلاق)
۹۷	روابط انسانی
۹۷	اشاره
۱۰۰	۱. تقوای الهی و توکل
۱۰۰	۲. شکر الهی
۱۰۱	۳. خوف الهی
۱۰۲	۴. خشوع و خشیت
۱۰۳	۵. شب زنده داری
۱۰۴	۶. عدم بد گمانی به خداوند متعال
۱۰۵	۷. امیدواری به رحمت خداوند متعال
۱۰۷	رابطه انسان با خویشتن
۱۰۷	اشاره
۱۰۸	۱. مراقبه
۱۰۹	۲. توبه
۱۰۹	۳. عفت و پاکدامنی
۱۱۰	۴. پیروی از شهوت و نکوهش آن

۱۱۰	۵. سوء ظن به خود
۱۱۳	رابطه انسان با خلق
۱۱۴	اشاره
۱۱۴	۱. احسان به پدر و مادر
۱۱۵	۲. اولویت احسان به مادر نسبت به پدر
۱۱۶	۳. عدالت خواهی
۱۱۷	۴. امانت داری
۱۱۷	۵. اصلاح بین یکدیگر
۱۱۸	۶. وفای به عهد
۱۱۸	۷. نکوهش پیروی از گمان
۱۱۸	۸. نکوهش تجسس و غیبت
۱۱۹	۹. نکوهش تهمت
۱۱۹	۱۰. نکوهش تمسخر دیگران
۱۲۰	۱۱. نکوهش عیب جویی
۱۲۰	۱۲. نرم خویی و عفو دیگران
۱۲۱	۱۳. عدم ترش رویی
۱۲۱	۱۴. اعتدال در رفتار و عدم تکبر
۱۲۲	۱۵. سلام کردن
۱۲۲	۱۶. جواب سلام و تحييت
۱۲۳	۱۷. دوری از لغو
۱۲۳	۱۸. گفتار محکم
۱۲۳	۱۹. صبر
۱۲۷	رابطه انسان با طبیعت
۱۲۷	اشاره
۱۲۸	۱. زمین
۱۲۹	۲. آسمان

۱۳۰	.....	۳. حیوانات
۱۳۳	.....	فهرست الفبایی موضوعات
۱۴۰	.....	فهرست منابع
۱۴۲	.....	درباره مرکز

## سیری در آیات موضوعی: خداشناسی، معادشناسی، انسان سازی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: الهی دوست، حمید، 1342 -

عنوان و نام پدیدآور: سیری در آیات موضوعی: «خداشناسی، معادشناسی، انسان سازی» / حمید الهی دوست، حمید سعیلبخش؛ [برای موسسه فرهنگی قرآن و عترت رسول امین (ص)].

مشخصات نشر: قم: نسیم حیات، 1397.

مشخصات ظاهری: 128 ص.: مصور، نمودار؛ 21×14 س.م.

فروست: مجموعه منشورات؛ 3.

شابک: 50000 ریال: 978-600-440-104-3

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. 102؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: خداشناسی، معادشناسی، انسان سازی.

موضوع: قرآن -- حفظ -- راهنمای آموزشی

Qur'an -- Memorizing -- Study and teaching: موضوع

موضوع: قرآن . برگزیده ها -- ترجمه ها

Qur'an . Selections -- Translations: موضوع

شناسه افزوده: سعیلبخش، حمید

شناسه افزوده: موسسه فرهنگی قرآن و عترت رسول امین

رده بندی کنگره: BP80/8/الف7 س9 1397

رده بندی دیوی: 151/297

شماره کتابشناسی ملی: 4861824

ویراستار دیجیتالی: محمد منصوری

تیراژ: 1000

قیمت: 5000 تومان

شابک: 3-104-440-600-978

مرکز پخش

قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک 3

تلفن: 0253-7749750-2 تلفکس: 0253-7749533

ص: 1

**اشاره**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

سیری در آیات موضوعی

« خدالشناسی، معاد شناسی، انسان سازی»

حمید الهی دوست

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیہ

واحد اصفهان

حمید سعید بخش

ص: 3



مقدمه. 9

آیات خداشناسی .. 15

1. براهین اثبات خداوند. 15

برهان حدوث و حرکت. 15

برهان علت و معلول.. 17

برهان امکان و وجوب. 19

2. مراتب توحید. 20

الف) توحید ذاتی.. 20

ب) توحید افعالی.. 26

ج) توحید در عبادت. 30

د) توحید در استعانت... 32

3. اسماء حسنای الہی.. 33

4. آیات آفاقی و آیات انفسی.. 36

آیات آفاقی.. 37

آیات انفسی (خداشناسی فطری). 38

ص: 5

5. مراتب شرک (شرک جلیّ). 39

الف) شرک در ذات.. 40

ب) شرک در عبادت.. 41

ج) شرک در ریوبیت... 42

6. شرک در عمل (شرک خفی). 43

7. شرک بزرگ ترین گناه نابخشودنی.. 43

آیات معاد شناسی.. 45

1. ضرورت معاد. 46

2. امکان معاد. 47

3. براهین معاد. 48

الف) برهان حکمت... 48

ب) برهان رحمت... 49

ج) برهان عدالت... 50

4. ایمان به معاد و آخرت. 51

5. عدم ایمان به آخرت.. 53

6. مرگ... 56

7. بربخ.. 58

8. در آستانه قیامت... 60

زمان قیامت... 62

9. نفح صور. 64

ص: 6

66. محشر.. 10

67. حساب.. 11

68. شاهدان.. 12

69. میزان.. 13

70. شفاعت... 14

71. اعراف.. 15

72. دوزخ و اوصاف آن.. 16

73. بهشت و اوصاف آن.. 17

74. معاد جسمانی.. 18

آیات انسان سازی (اخلاق). 19

75. روابط انسانی.. 20

76. رابطه انسان با خداوند. 21

77. رابطه انسان با خویشتن.. 22

78. رابطه انسان با خلق.. 23

79. رابطه انسان با طبیعت... 24

80. فهرست الفبایی موضوعات.. 25

81. فهرست منابع. 26

صفحه 7



قرآن کریم سفره آماده‌ای است که در آن مائدۀ های آسمانی از تنوع و تعدد رنگ ها و طعم های زیادی برخوردار هستند. در قرآن هر موضوع در گستره وسیع قرآن آن چنان بال گستردۀ است که برای دست یابی به دامنه گستردۀ آن شایسته است به کل آیات موجود در آن موضوع در سراسر قرآن مراجعه نمود و تمام آیاتی که خواه تشابه و ارتباط لفظی دارند یا ارتباط معنوی همه را گرد آورد و در یک ساختار منظم و به هم پیوسته آنها را مرتب و سامان دهی نمود تا هریک از این آیات زبان گویا و مبین خوبی برای دیگر آیات هم موضوع خود گردند و ذخائر درونی آنها استخراج و در اختیار مشتاقان قرآن و عترت قرار گیرد. این نگرش می تواند روش و مدخل مناسبی برای وارد شدن به تفسیر موضوعی قرآن کریم گردد. مقدمه ورود به این روش تفسیری نورانی و پر خیر و برکت، توجه و حضور ذهن مناسب نسبت به همه آیات مرتبط و دخیل در موضوع، در کل قرآن می باشد.

بهترین راه برای دست یابی به آن، جمع آوری و حفظ موضوعی آیات قرآن در موضوعات مربوطه می باشد.

اهداف تدوین و نگارش این اثر: غرض، جمع آوری و منظم کردن آیات مهم، کلیدی و مشهور در موضوعات مهمی مثل خداشناسی، معادشناسی، اخلاق و انسان سازی، می باشد. سعی شده است آیاتی گردآوری شود که دارای چند خصوصیت باشند.

اولاً<sup>۱</sup>: مشهورترین آیه در این موضوع باشد.

ثانیاً: آیاتی باشد که طلاب و دانشجویان در کتاب های رایج و درسی حوزه یا مرکز دانشگاهی با آن رویه رو شده یا خواهند شد.

ثالثاً: در موضوع خود روش ترین مضمون را داشته باشند. علاوه بر آن، برخی دیگر از آیات این موضوعات که دارای این ویژگی ها نیست ولی در ارتباط با موضوع است در پاورقی ها به صورت مطالعاتی ارائه و در موارد مهم برای رفع ابهام، فراز مورد نظر با خط ممتد مشخص شده است. به همراه این آیات، توضیح مختصر و مورد اتفاقی از عنوان مورد بحث نیز از کتب عالман بر جسته معاصر نظری شهید آیت الله مطهری، علامه طباطبائی، آیت الله مکارم شیرازی و مانند آن برای توضیح موضوع ضمیمه شده است.

مزایا و امتیازات این اثر: در پیشینه این موضوع، آثار و کتاب های دیگری مانند کتاب حفظ موضوعی قرآن کریم تأليف سید علی میرداماد نجف آبادی نشر مرکز جهانی علوم اسلامی و کتاب حفظ موضوعی آیات، تأليف گروه قرآنی بشری نشر نسیم و کتاب درس نامه حفظ موضوعی قرآن کریم تأليف آقایان حکیمی و مؤذن نشر جامعه القرآن الکریم وجود دارد که از مقایسه تطبیقی این نوشتار با آنها مزایای

این مجموعه مشخص می شود و معلوم می گردد که هیچ یک، انتظارات و اهداف این اثر را دنبال نکرده و نمی کند. زیرا مخاطب آثار پیشین، مخاطب عام بوده، در صورتی که این مجموعه با نگاه تخصصی و برای مخاطبان خاص نگاشته شده است، به علاوه برخی از این آثار از نظر نوع موضوع دارای نقص و محدودیت هستند و برخی از نظر حجم آیات مناسب با بودجه زمانی این درس نیستند. برخی دیگر از آنها به خاطر تقطیع آیه و اکتفا به عبارت شاهد مثال، مفید برای حفظ موضوعی نیست. به علاوه وجود دسته بنده جامع و منسجم به همراه توضیح مختصر و مورد پذیرش مشهور علماء نسبت به موضوعات و عنوانین، از برتری های این مجموعه بر نمونه های مشابه می باشد.

نکته قابل توجه این که بنا بر تحقیقی که در گروه پژوهشی تفسیر در معاونت پژوهش حوزه علمیه اصفهان در ارزیابی ترجمه های قرآن کریم انجام شده و منجر به انتخاب و ممتاز شناخته شدن ترجمه آیت الله مشکینی ره برای طلاب و دانشجویان رشته تفسیر و علوم قرآن و حدیث شده در این کتاب نیز از ترجمه ایشان استفاده شده است مگر موارد خاصی که بنا به ضرورت از ترجمه دیگری استفاده شده باشد که در پاورپوینت تذکر داده شده است.

نکته دوم: در توضیحات و نکاتی که در ضمن آیات به عنوان مقدمه و یا شرح و توضیح مختصر آیات اضافه شده است سعی شده از مطالب روان و مشهور استفاده شود هرچند که ممکن است ملاحظاتی درباره آنها وجود داشته باشد که به خاطر اهداف خاص این کتاب به آنها اشاره نشده واز پرداختن به آن چشم پوشی شده و در متن نیز منعکس نشده باشد.

نکته سوم حجم آیات آمده در متن تقریباً به اندازه یک جزء از قرآن های عثمان طه است که برای هر جلسه تقریباً بیش از یک صفحه می باشد که در طول هفته باید حفظ شود.

#### \* چند توصیه برای حفظ بهتر و ثبیت آن

- 1- استفاده از ساعات آغازین روز برای حفظ کردن
- 2- مطالعه تفسیر آیه و یا ترجمه آن که این امر، حفظ آیه را آسان تر می کند.
- 3- کمک گرفتن از نرم افزارهای تکرار آیات که این تکرار شنیداری موجب حفظ قرآن می شود.
- 4- پس از حفظ، با تکرار روزانه و سپس هفتگی، آیات ثبیت شود.
- 5- استفاده از هم مباحثه برای تکرار بیشتر
- 6- توجه به آیات مشابه و کیفیت چیش کلمات در آیه، مثلاً در کدام آیه **يَعْلَمُهُمْ** بر **يَزْكُّهُمْ** مقدم و در کدام آیه **يَزْكُّهُمْ** بر **يَعْلَمُهُمْ** مقدم شده است.

عکس

□

ص: 13



## ۱. براهین اثبات خداوند

### برهان حدوث و حرکت

برهان حدوث و حرکت [\(۱\)](#)

برهان حرکت و سکون از استدلال های معروف فلسفی است که می گوید جهان ماده دائماً در معرض حرکت و سکون است و حرکت و سکون از «امور حادثه» است و چیزی که در معرض حادث است حادث می باشد.

ص: 15

۱- . وَ آيَةُ لَهُمُ الَّلَّيْلُ سَمَاءٌ لَخُمُرٌ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ \* وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْكَنٍ تَغْرِي لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الرَّعَيْزِ الرَّعِيلِيمِ \* وَ الْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْفَدَيْمِ \* لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُمْدِرَ كَالْقَمَرِ وَ لَا الَّلَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسِّبَحُونَ (یس/ 36 تا 40). وَ هُوَ الَّذِي يَرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيِ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَفَلَتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لَيَلَادِ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الشَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (اعراف/57).

این دلیل را به تعبیر گستردہ تری می توان ذکر کرد و آن این که جهان مادہ هموارہ در حال تغیر و حرکت و طلوع و افول حوادث و وقایعش می باشد. و تغیر و دگرگونی نشانه حدوث است زیرا اگر از لی باشد و در عین حال همواره دست خوش تغیرات و حوادث گردد، جمع میان حدوث و قدم خواهد شد یعنی باید تغیرات را که امور حادث اند از لی (قدیم) بدانیم و این یک تناقض آشکار است.

این دلیل با قبول حرکت جوهری که گوید: حرکت در ذات اشیاء نهفته شده، بلکه عین ذات آنهاست، آشکارتر و روشن تر است زیرا وجود حرکت که امر حادثی است در ازل معنی ندارد. آیاتی که بیانگر حرکت و دگرگونی و تحول در نظام کائنات و هستی است می تواند میین برهان حدوث و حرکت باشد.[\(1\)](#)

(فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيلُ رَأَى كَوَكِباً فَالْهَذَا رَبِّيْ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْأَفْلَيْنَ \* فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّيْ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّيْ لَا كُونَنَ مِنَ الْقَوْمِ الصَّنَالِيْنَ \* فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بازِغَةً قَالَ هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيْءٌ مِمَّا تُشَدَّ رِكُونَ \* إِنِّي وَجَهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ)[\(2\)](#)

پس چون شب بر او پرده تاریکی کشید ستاره ای دید، (برای محکوم کردن ستاره پرستان) گفت: این پروردگار من است: هنگامی که ستاره غروب کرد، گفت: من

ص: 16

- 
- 1- مکارم شیرازی ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج 1، ص: 128.
  - 2- . (انعام/ 76 تا 79)

غروب کنندگان را دوست ندارم.\* پس چون ماه را در حال طلوع و شکافنده افق دید گفت: این پروردگار من است و چون غروب کرد گفت: حقاً که اگر پروردگارم مرا هدایت نکند حتماً از گروه گمراهان خواهم بود\* و چون خورشید را در حال برآمدن و درخشان (آفاق) دید گفت: این پروردگار من است، این بزرگ تر است! و چون غروب نمود، گفت: ای قوم من، قطعاً من از آنچه شریک (خداآنند) قرار می دهید بیزارم\* به یقین من روی (دل) خود را به سوی کسی که آسمان ها و زمین را پدید آورده متوجه نمودم در حالی که با اخلاص و حق گرامی و من از شرک آوران نیستم.[\(1\)](#)

## برهان علت و معلول

تقریر برهان علت و معلول به این صورت است که عالمی که در آن زندگی می کنیم بدون شک حادث است

و اگر چیزی حادث است از پنج حال بیرون نیست: 1- بدون علت به وجود آمده است. 2- خود علت خویشتن است. 3- معلولات جهان علت وجود آن هستند. 4- این جهان معلول علتی است که آن هم به نوبه خود معلول علت دیگری است و تابی نهایت پیش می رود. 5- این جهان مخلوق خداوند واجب الوجود است که هستیش از درون ذات پاک او است.

باطل بودن چهار احتمال نخست معلوم است، زیرا. وجود معلول بدون علت محال است و گرنه هر چیز در هر شرائطی باید به وجود آید، در حالی که چنین نیست.

ص: 17

---

1- ترجمه آیت الله مشکینی با تصرف.

احتمال دوم که چیزی خودش را به وجود آوردن نیز محال است، زیرا مفهومش این است که قبل از وجودش موجود باشد و این اجتماع تقیضی است (دقت کنید).

همچنین احتمال سوم که مخلوقات انسان، خالق انسان باشد نیز واضح البطلان است (چرا که لازمه آن دور است).

و نیز احتمال چهارم یعنی تسلسل علت‌ها و کشیده شدن سلسله علل و معلول به بی‌نهایت آن نیز غیر قابل قبول است، چرا که بی‌نهایت معلول و مخلوق، بالآخره مخلوق است و نیاز به خالقی دارد که آن را ایجاد کند، مگر بی‌نهایت صفر عدد می‌شود؟ یا از درون بی‌نهایت ظلمت نور بر می‌خیزد؟ یا از بی‌نهایت فقر و نیاز بی‌نیازی به وجود می‌آید؟

بنابراین راهی جز قبول احتمال پنجم یعنی خالقیت واجب الوجود باقی نمی‌ماند (دقت کنید).

واز آنجا که رکن اصلی این برهان، نفی همان احتمال اول و دوم است، قرآن به همان قناعت کرده است.

اکنون ملاحظه کنید که در عبارت کوتاهی چه استدلال زیبایی نهفته است.[\(1\)](#)

**أَمْ خَلَقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخالِقُونَ\*** [\(2\)](#) **أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يَوْقُنُونَ** [\(2\)](#)

ص: 18

---

1- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، ج 22، ص: 454.

2- (طور 35 و 36).

یا آنها بی هیچ آفریده شده اند، یا خود خالق خویشند؟!\* آیا آنها آسمانها و زمین را آفریده اند؟! بلکه آنها جویای یقین نیستند.[\(1\)](#)

## برهان امکان و وجوب

### برهان امکان و وجوب [\(2\)](#)

تمام موجوداتی که در این جهان می بینیم، همه، روزی معذوم بوده اند سپس لباس وجود بر تن کرده اند و یا به تعبیر دقیق تر، روزی هیچ نبوده اند و سپس موجود شده اند، این دلیل بر آن است که آنها در ذات خود ممکن الوجود هستند و از خود، هستی و استقلالی ندارند. همچنین می دانیم: هر موجود ممکن و معلولی وابسته و قائم به «علت» خویش و سراپا نیاز و احتیاج است و اگر آن علت، نیز معلول علت دیگری باشد، او هم به نوبه خود محتاج و نیازمند خواهد بود و اگر این امر، تابی نهایت تسلسل پیدا کند، مجموعه ای از موجودات نیازمند و فقیر، خواهیم داشت؛ چنین مجموعه ای هرگز وجود نخواهد یافت؛ چرا که بی نهایت نیاز، نیاز است و بی نهایت فقر، فقر، هرگز از بی نهایت صفر، عددی به وجود نمی آید و از بی نهایت وابسته، استقلالی حاصل نمی شود.

از اینجا نتیجه می گیریم که، سرانجام، باید به وجودی برسیم که در وجود و در صفات و کمالات وجودی قائم به ذات است و مستقل از تمام جهات، علت است و

ص: 19

- 
- 1 . ترجمه مکارم شیرازی .
  - 2 . هَا أَنْتُمْ هُؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُتَفَقَّوْا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ تَقْسِيهِ وَاللَّهُ الْغَنِيٌّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْنَا يَسْتَبِيلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (محمد/ 38).

معلول نیست و او واجب الوجود است.[\(1\)](#)

یا ایّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفَقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ[\(2\)](#)

ای مردم، همه شما به خدا نیازمندید و خداست که بی نیاز و ستدوده صفات و افعال است (او خالق و حافظ و رازق بشر است پس اینان نیازمند مطلق و او غنی مطلق است).

## 2. مراتب توحید

### اشاره

برای توحید، چهار مرتبه برشمرده اند: توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی و توحید عبادی. سه مرتبه نخست را «توحید نظری» گویند و مرتبه چهارم را «توحید عملی». در برابر هر مرتبه از توحید، مرتبه ای از شرک جای دارد.

### الف) توحید ذاتی

### اشاره

توحید ذاتی[\(3\)](#)

توحید ذاتی یعنی شناختن ذات حق به وحدت و یگانگی. حقیقتی که «دویی» بردار و تعدّدپذیر نیست، مثل و مانند ندارد، در مرتبه وجود او موجودی نیست. لازمه

ص: 20

1- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، ج 18، ص: 22.

2- (فاطر / 15)

3- قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنْذِرٌ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (ص / 65). وَ لَا - تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (عنکبوت / 46). قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ \* اللَّهُ الصَّمَدُ \* لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُوَلَّدُ \* وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ (اخلاص / 1 تا 4).

توحید ذاتی این است که به موجودیت استقلالی هیچ چیز غیر از خداوند هرچند به عنوان آفریده او اعتقاد نداشته باشیم. توحید ذاتی یعنی تنها یک ذات در هستی دارای مبدئیت و منشأیت قدرت، علم و اراده و الوهیت است و دیگران در تمام امور محتاج و وابسته به اویند.

توحید ذاتی اولین مرتبه شناختی است که هر کس از ذات حق پیدا می کند، غنا و بی نیازی اوست؛ یعنی ذاتی است که در هیچ جهتی به هیچ موجودی نیازمند نیست و به تعبیر قرآن «غنى» است؛ همه چیز به او نیازمند است و از او مدد می گیرد و او از همه غنی است و به تعبیر حکما واجب الوجود است. او مبدأ و خالق موجودات دیگر است؛ موجودات همه «از او» هستند و او از چیزی نیست و به تعبیر حکما «علت اولی» است.[\(1\)](#)

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلَكُ كُلُّهُ وَأُولُوا الْعِلْمٍ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ [\(2\)](#)

خدا در حالی که برپا دارنده عدل است [با منطق وحی، با نظام مُتقن آفرینش و با زبان همه موجودات] گواهی می دهد که هیچ معبدی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهی می دهند که هیچ معبدی جز او نیست معبدی که توانای شکست ناپذیر و حکیم است.[\(3\)](#)

ص: 21

---

-1. مطهری مرتضی، مجموعه آثار، ج 2، ص: 100.

-2. (آل عمران/18)

-3. ترجمه انصاریان.

فاطر السماواتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَرْواجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَرْواجًا يَذْرُؤُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (1)

همو که پديد آورنده (ابتدائي و بي سابقه) آسمان ها و زمين است برای شما از جنس خودتان (نه از فرشتگان و اجته) همسرانی قرار داده و از چهارپایان (نيز) جفت ها (نرو ماده آفريده) و شما را در اين (تدبير ازدواج) زيادتی و انتشار می بخشد. هيچ چيز مانند او نیست و اوست شنوا و بینا.

## دليل عقلی

### دليل عقلی (2)

دليلی که برای توحيد و نقی آلهه در آيه زیر، آمده است، در عین سادگی و روشنی، يکی از براهین دقیق فلسفی در این زمینه است که دانشمندان از آن، به عنوان "برهان تمانع" ياد می کنند، (3)

خلاصه اين برهان را چنین می توان بيان کرد:

ما بدون شک نظام واحدی را در اين جهان حکم فرما می بینيم، نظامی که در همه جهات هماهنگ است، قوانینش ثابت و در آسمان و زمين جاري است، برنامه هايش با هم منطبق و اجزايش متناسب است.

ص: 22

(11) . (شوری / 1)

- 2- مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَدَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ (مؤمنون / 91).
- 3- برهان تمانع دارای تقريرات متعددی از جانب علماء میباشد که در اينجا به يکی از تقريرات اشاره شده است.

این هماهنگی قوانین و نظمات آفرینش از این حکایت می کند که از مبدء واحدی سرچشمه گرفته است چرا که اگر مبدءها متعدد بود و اراده ها مختلف، این هماهنگی هرگز وجود نداشت و همان چیزی که قرآن از آن تعبیر به "فساد" می کند در عالم بهوضوح دیده می شد.

کتاب بزرگ عالم آفرینش که عظمتش به قدری است که ما با تمام وجودمان در لابلاع عبارتش گم می شویم، نیز مشمول همین قانون است.

درست است که ما حتی در تمام عمر نمی توانیم تمام این کتاب را مطالعه کنیم اما با همین اندازه که توفیق مطالعه نصیب ما و کل دانشمندان جهان شده است، آن چنان هماهنگی دارد که از وحدت مؤلف به خوبی حکایت می کند، ما هر چه این کتاب عجیب را ورق می زنیم در همه جا آثار یک نظم عالی و انسجام و هماهنگی غیر قابل توصیف در میان کلمات و سطور و صفحاتش نمایان است. اگر در اداره این جهان و نظمات آن، اراده ها و مبدءهای متعددی دخالت داشت این هماهنگی امکان پذیر نبود. این برهان در لسان حکماء به برهان تمانع معروف است.[\(1\)](#)

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِيَّةٌ إِلَّا اللَّهُ لَكَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ[\(2\)](#)

اگر در آسمان ها و زمین خدایان دیگری غیر از الله وجود داشت، بی شک هر دو (آسمان ها و زمین از نظر حدوث و بقا) فاسد می شدند (تعدد خالق مدلب و مقتدر و

ص: 23

---

1- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، ج 13، ص: 416

2- (انبیاء / 22)

مستقل در اراده قبل از آفرینش مانع از اصل خلقت و پس از آن سبب فساد در بقا می شد). پس منزه است خداوند صاحب عرش (دارای تسلط تام بر اجزای عالم هستی) از آنچه (مشرکان) توصیف می کنند.

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَأْتَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَيَلَّاً<sup>(1)</sup>

بگو: اگر آن گونه که می گویند، با خدا خدایانی بود، در آن هنگام به سوی صاحب عرش راهی می جستند [تا قدرتش را تصاحب کنند].<sup>(2)</sup>

## دلیل نقلی

دلیل نقلی<sup>(3)</sup>

دلیل نقلی توحید یا مستند به وحی، یعنی قرآن کریم است یا به سنت معصومان (علیهم السلام). در صورتی که مستند به قرآن باشد، چون قرآن از نظر سند قطعی است و تنها باید از نظر دلالت آیه بر توحید، مورد دقت قرار گیرد، اگر از نظر دلالت نیز قوی بود عصاره آن می تواند حد وسط برهان عقلی باشد و کسی که اقامه برهان می کند در مقام استدلال بگوید: یگانگی خداوند را صادق مصدق، یعنی قرآن فرموده و هرچه را قرآن بگوید حق و قطعی و بدون شک است. پس توحید و یگانگی باری تعالی حق و قطعی و بدون شک است.<sup>(4)</sup>

ص: 24

-1 . (اسراء / 42)

-2 . ترجمه انصاریان.

-3 - وَقَالَ اللَّهُ لَا تَسْخِذُوا إِلَهَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَإِيَّاهُ فَازْهَبُونَ (نحل / 51).

-4 . جوادی عاملی عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (توحید در قرآن)، ج 2 ص 62.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُ الْقَيُومُ لَا تَأْخُذُهُ سَيْنَةٌ وَ لَا تَنْمُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يُشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا يَأْذِنُهُ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفُهُمْ وَ لَا يَحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شاءَ وَسَعَ كُرْسِيُهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ لَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَ هُوَ الْعَلِيُ الْعَظِيمُ (1)

خدای یکتاست که جز او معبدی نیست، زنده قائم به ذات و برپا دارنده توana و دائم (جهان هستی) است، هیچ گاه او را خواب سبک و سنگین فرامی گیرد، آنچه در آسمان ها و آنچه در این زمین است (علاوه بر خود آنها) از آن اوست (به ملاک آنکه آفرینش و حفظ و تدبیر و فانی کردن همه در تحت اراده اوست) کیست آنکه جز به اذن او در محضرش وساطت کند (وساطت تکوینی در میان اسباب و مسببات در این جهان و شفاعت ارادی در سقوط کیفر اعمال و فزونی پاداش در جهان دیگر)?! آنچه را در جلو روی مردم و آنچه را در پشت سر آنهاست (حوادث آینده و گذشته جهان را) می داند و آنها به چیزی از علم او احاطه ندارند جز به آنچه او بخواهد. کرسی (سلطه و ربویت) او آسمان ها و زمین را فرا گرفته و نگهداری آنها بر او سنگینی و خستگی ندارد و او والا و بزرگ است.

وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (2)

ص: 25

---

(255) . (بقره / 1)

(163) . (بقره / 2)

و خدای شما خدایی یگانه است، جز او خدایی (مستحق پرستش) نیست که بخشنده و مهربان است.

## ب) توحید افعالی

### اشاره

#### توحید افعالی (1)

توحید افعالی بدین معنا است که آنچه در هستی انجام می‌گیرد، فعل خداوند است و آفریدگان همان سان که در ذات خویش مستقل نیستند، در تأثیر و فعل نیز استقلال ندارند. توحید افعالی یا استناد افعال به خداوند، به معنای نفی قانون علیت نیست؛ زیرا خداوند اراده کرده است که هر کاری از گذر علل و اسباب خود انجام پذیرد هر چند علل و اسباب نیز در تأثیر خویش، مستقل نیستند توحید افعالی به معنای سلب اراده و اختیار از انسان نیز نیست. خداوند، انسان را مختار آفریده است و انسان با اراده خویش و یاری آنچه خداوند بدو داده است، منشأ افعال می‌شود. می‌توان توحید افعالی را بر چند گونه دانست: توحید در خالقیت و توحید در ربویت، توحید در قانون گذاری، توحید در حاکمیت و مانند آن؛ همان‌گونه که خداوند تنها خالق مستقل است و هر خلق و ایجاد دیگری در طول خالقیت خداوند جای دارد، تنها مدبر مستقل جهان نیز هست و تدبیر و اراده جهان و دیگر امور عالم به دست او است.

ص: 26

---

1- وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ فُلْتَ مَا شاءَ اللَّهُ لَا فُؤْتَةً إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنَ أَنَّا أَفَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا (کهف / 39).

توحید در خالقیت (1)

اعتقاد به خالق یگانه برای جهان هستی در بسیاری از مردم حتی برخی از مشرکان وجود داشته و دارد تا آنجا که خداوند می فرماید از آنها (بت پرستان) درباره خالق جهان پرس که چه کسی این جهان را خلق کرده است آنها پاسخ می دهند الله<sup>(2)</sup>. توحید در خالقیت یعنی جز خداوند کسی را خالق و پدید آورنده جهان و انسان و موجودات ندانیم.

ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خالقُ كُلٍّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكَفِيلٌ<sup>(3)</sup>

این است خدایی که پروردگار شماست، جز او معبدی نیست، آفریننده همه چیز است، پس تنها او را پرستید و او نگهبان و مدبر و متولی نظام هر چیز است.

ص: 27

---

1- يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْكِلُونَ (فاطر / 3). إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَيَاً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِإِمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (اعراف / 54). وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ (صفات / 96).

2- عنکبوت / 61.

3- انعام / 102).

اللَّهُ خَالِقُ كُلٍّ شَيْءٍ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ كَيْلٌ<sup>(1)</sup>

و خداوند آفریننده (بلا واسطه و با واسطه) همه اشیاء است و او متنکفل تدبیر همه چیز است.

هذا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرَوْنِي ما ذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ<sup>(2)</sup>

اینها آفریده های خدادست، پس به من نشان دهید کسان دیگری غیر او (که آنها را شریک خدا می پندارید) چه آفریده اند؟ (آنها چیزی نیافریده اند) بلکه این ستمکاران در گمراهی ای آشکارند.

## توحید در ربوبیت

توحید در ربوبیت<sup>(3)</sup>

تدبیر جهان به دست مدیر یگانه و کارگزار واحدی است و هیچ موجودی

ص: 28

. (زمر / 62)

. (لقمان / 11)

3- رَبُ الْمَسْرِقَيْنِ وَ رَبُ الْمَغْرِبَيْنِ (الرحمن / 17). فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَسَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (معارج / 40). رَبُ الْمَسْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (مزمل / 9). وَ مَا نَتَّسَرُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَ مَا خَلْفَنَا وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ مَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيَا \* رَبُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَ اصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيَا (مریم / 64 و 65).

یاری رسان او نیست، تنها خداوند است که مدبر سراسر هستی می باشد، قرآن کریم معمولاً پس از ذکر خلقت آسمان ها و زمین، به بیان تدبیر و اداره خلقت می پردازد و تنها مدبر هستی را، خداوند متعال معرفی می کند. پس رب و مدبری جز خداوند نیست و خالق هستی و به وجود آورنده آن، همان رب و مدبر مخلوقات و ضامن استمرار و بقای خلقت است.

یا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقَوْنَ \* الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بَنَاءً وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الشَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱)

ای مردم، پروردگار تان را که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفریده پرسش کنید، شاید پروا پیشه کنید\* همان خدایی که زمین را برای شما بساطی (گسترده) و آسمان را بنایی (برا فراشته) قرار داد و از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرود آورد و به وسیله آن از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد، پس برای خداوند شریکانی قرار ندهید در حالی که می دانید (آنها قدرت این آفرینش و اعطاء روزی را ندارند).

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّي الَّذِي يُحِبُّ وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحِبُّ وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي

ص: 29

---

. (بقره / 21 و 22) - 1

**بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَسْرِقِ فَأَتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبِهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (1)**

آیا (به دیده دل) ننگریستی به آن که (نمرود) با ابراهیم درباره پروردگارش از سر غروری که خدا او را پادشاهی داده بود به مجاجه و گفتگو پرداخت؟ آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگار من آن است که زنده می کند و می میراند. او گفت: من (نیز) زنده می کنم و می میرانم (از دو نفر محکوم یکی را آزاد می کنم و دیگری را می کشم). ابراهیم گفت: همانا خداوند (من) خورشید را از مشرق بیرون می آورد، تو آن را از مغرب بیرون آور! پس آن کس که کفر ورزیده بود مبهوت ماند و خداوند هرگز مردمان ستمکار را هدایت نمی کند.

## ج) توحید در عبادت

### توحید در عبادت (2)

توحید در عبادت به معنای یکتاپرستی است؛ تنها خداوند را بندگی کردن و فقط اورا شایسته عبادت دانستن. عبادت به معنای خضوع، تذلل و خشوی است که از باور به شایستگی معبود برخیزد. از این رو سجود ملائکه در برابر آدم(ع) و سجود برادران یوسف در برابر یوسف(ع)، عبادت آدم(ع) و یوسف(ع)، به شمار

ص: 30

1- . (بقره / 258)

2- وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيْسَ تَحْلِفَ النَّاسَ إِذَا رَضِيَ كَمَا إِذَا تَحْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيَمَكِّنَنَّ أَهْمَمَ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيَكِدَّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور / 55).

نیامده است. قرآن کریم علت وجود عبادت و پرسش خداوند را شایستگی می داند و این که او تنها معبدی است که شایسته عبادت است.

از جهت سیر منطقی آیات دال بر توحید عبادی می توان اینگونه گفت: که توحید عبادی چهار مرحله دارد ۱. چون تنها خداوند خالق و رب جهان است پس تنها او شایسته عبادت است ۲. و تنها امر به عبادت «الله» شده است ۳. ما نیز تنها او را می پرسیم ۴. نهایت و غایت آفرینش تنها عبادت خداوند است که هر یک از آیات توحید در عبادت به یکی از این مراحل اشاره دارد.

وَلَقَدْ بَعْثَنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الصَّلَاحَةُ فَسَيُرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۱)

والبته ما در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم که خدا را عبادت کنید و از طاغوت (شیطانی و انسانی) دوری جویید، پس خداوند برخی از آنها را (که اصول دعوت را پذیرفتند به مراحل کمال) هدایت کرد و بر برخی از آنها (که دعوت را رد کردند) ضلالت و گمراهی حتمی شد. پس در روی زمین بگردید و بنگرید که عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود!

ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآباؤكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنَّ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَّا أَلَا تَعْبُدُونَا إِلَّا إِيَاهُ ذَلِكَ الدِّينُ

ص: 31

---

. -1 .(نحل/36)

الْقِيمُ وَلِكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (1)

شما به جای خداوند نمی پرستید جز نام هایی (بی محتوا) را که شما و پدرانتان نام گذاری کرده اید و خدا بر (صلاحیت پرستش) آنها هیچ حجت و برهانی را نازل نکرده است. فرمان نافذ و حکومت (بر جهان هستی) جز از آن خدا نیست دستور داده که غیر او را نپرستید آن است دین پابرجا و استوار و لکن بیشتر مردم نمی دانند.

إِيَّاكَ نَمُوذِّعُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (2)

(پروردگار) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم.

وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيُعْبَدُونِ (3)

و جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا پرستش کنند.

#### د) توحید در استعانت

موحّدان، همان گونه که جز خداوند را نمی پرستند، در زندگی دنیوی و اخروی خود نیز جز از خداوند یاری نمی طلبند. از این روست که خداوند، توحید در استعانت و استقلال ذاتی استعانت را به توحید در عبادت عطف می کند و مسلمانان را فرمان

ص: 32

---

. -1 . (یوسف/40).

. -2 . (الفاتحه/5).

. -3 . (ذاریات/56).

می دهد که شب و روز در نمازهای پنج گانه بگویند: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». جدا کردن این دو و حرام دانستن عبادت غیر خدا و جایز شمردن استعانت استقلالی از غیر خدا برخلاف فرامین قرآن کریم است. مسلمان جز خداوند را نمی پرستد و جز از او یاری نمی جوید.

قالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ [\(1\)](#)

موسی به قوم خود گفت: از خداوند یاری بجویید و صبر نمایید، مسلماً زمین از آن خداست (ایجادش، حفظش و اداره ساکنانش تحت اراده اوست) به هر کس بخواهد به میراث می دهد و سرانجام (نیک) از آن پرهیزگاران است.

### 3. اسماء حسنای الهی

#### اسماء حسنای الهی [\(2\)](#)

اسماء الحسنی اصطلاحی است برای نام های خداوند، که از قرآن کریم اقتباس شده است. از آن رونیکوترين نام ها برای او است که او نیکوترين معانی و صفات را دارد. برخی از نام ها به صفت ذات بازمی گردند؛ مانند «عالیم» و برخی به صفت فعل؛ مانند «خالق» و برخی ذات او را تمجید و تقدیس می کنند؛ مانند

صف: 33

1- . (اعراف/128)

2- قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيَا مَا تَدْعُوا فَأَلَّا إِلَهَ مِنْهُ إِلَّا هُوَ الْحُسْنَةُ نَحْنُ وَلَا تَجْهَرْ بِصَدَقَاتِكَ وَلَا تُخَافِثْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا [\(اسراء/110\)](#).

«قدوس».... میان نام ها و صفات خداوند، تقاویت است: نام های خداوند، واژگانی هستند با ساخت اسم فاعل، صفت مشبّه یا صیغه مبالغه که به اعتبار بازگشت آنها به یکی از صفات، بر ذات خداوند دلالت می کنند؛ مانند قادر، قادر و قهار. صفات خداوند با ساخت مصدری اند و بر یکی از صفات بدون ملاحظه ذات دلالت می کنند؛ مانند علم، حیات، قدرت.

موضوع «الأسماء الحسنی» در علم تفسیر، کلام و عرفان آمده است.[\(1\)](#)

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيِّجْزُونَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ[\(2\)](#)

و برای خدادست بهترین نام ها (به جهت حسن معانی و علوّ مفاهیم آنها) پس او را بدان نام ها بخوانید و کسانی را که در نام های او به انحراف می روند (آنها را بربت ها می نهند یا به گونه ای که سزاوار خدا نیست تفسیر می کنند) رها کنید، آنها به زودی آنچه را که انجام می داده اند جزا داده شوند (تجسم عینی گفتار و کردار آنها کیفرشان خواهد بود).

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ \* هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَمِّمُ  
الْعَزِيزُ

ص: 34

---

-1- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، ص: 77.

-2- . (اعراف / 180)

الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَشْرِكُونَ \* هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوَّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى نَبِيٌّ يَسَّعِ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ  
[الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ](#) (1)

اوست خدایی که جز او معبدی نیست، دانای غیب و آشکار است (آنچه از حواس ظاهری و باطنی هر ذی شعوری نهان و آنچه در مقابل آنها آشکار است، یا آنچه هنوز موجود نشده و آنچه موجود شده است)، اوست بخشندۀ و مهربان\* اوست خدایی که جز او معبدی نیست، ملک است (سلطان فرمانروای جهان هستی است)، قدوس است (منزه و پاک از هر عیب و نقص و شریک و فرزند است) سلام است (ذاتش سالم از عیب، صفاتش سالم از نقص و افعالش سالم از شر است) مؤمن است (توحیدگوی خود، مؤمن به حقیقت ذات و صفات خویش و ایمنی بخشن از هر ظلم و بدی است) مهیمن است (امین، مسلط و فاتق بر همه چیز، حافظ همه هستی و مراقب همه اشیاء است) عزیز است (بی مثل و نظیر، غالب شکست ناپذیر و بخشندۀ عزت است) جبار است (دارای شأنی عظیم، جبران کننده هر شکست و ضرر، اصلاح گر حال موجودات و صاحب اراده قاهره بر اشیاء است) متکبّر است (مستحق تعظیم و صاحب کریاء و بزرگی باطنی و آشکار است)، منزه است خداوند از اینکه برای او شریک قرار می دهدند\* اوست خدای آفریننده (اشیاء بر پایه تقدیر و سنجش) و آفریدگار و ایجادکننده (موجودات ممتاز از یکدیگر، مماثل در کمال

ص: 35

---

. -1 (حشر / 22 تا 24).

صنعت) و صورت بخش (اشیاء به صورت های مختلف) او راست بهترین نام ها، همه آنچه در آسمان ها و زمین است او را (به زبان قال و حال) تسیح می گویند و اوست صاحب اقتدار و حکمت.

هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ<sup>(1)</sup>

اوست اول و آخر (موجودی است پیش از همه و بعد از همه، اول سلسله علل و آخر و منتهی اليه سلسله معلومات است) و پیدا (از نظر آثار و تجلی صفات) و نهان (از نظر کنه و حقیقت ذات) و او به همه چیز داناست.

#### 4. آیات آفاقی و آیات انسی

##### اشاره

##### آیات آفاقی و آیات انسی<sup>(2)</sup>

در باب شناخت خداوند در قرآن، به دو گونه آیات بر می خوریم: آیات آفاقی و آیات انسی. آیات آفاقی یعنی آنچه بیرون از ضمیر انسان است: خلقت انسان های دیگر، آسمان، زمین، ستارگان، کوه، دریا، گیاه، حیوان، انسان و ...؛ ولی آیات انسی یعنی آنچه در ضمیر خود انسان وجود دارد؛ قرآن برای آیات انسی اهمیت ویژه ای قائل است، اصطلاح «آفاق و انس» از خود قرآن گرفته شده است.<sup>(3)</sup>

ص: 36

. -1 . (حدید/3)

2- وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ \* وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (ذاريات/20 و 21).

3- مطهری مرتضی، مجموعه آثار، ج 3، ص: 608.

سَنُرِيْهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ اَوْ لَمْ يَكُنْ بِرَبِّكَ اَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ<sup>(1)</sup>

به زودی نشانه های (توحید و قدرت) خود را به آنان (به مشرکان مکه و همه انسان های تاریخ) در کرانه ها (ی مکه و پنهانه زمین) و در نقوص خودشان نشان خواهیم داد (مانند فتوحات مسلمین در آن عصر و گسترش اسلام در گیتی در آینده و توجه انسان ها به لطایف حکمت های خداوند در وجودشان) تا بر آنها روشن گردد که آن (خدا و قرآن) حق است، آیا (در ظهور حق) همین کافی نیست که پروردگار تو بر همه چیز گواه است (ونزد همه موجودات مشهود و آشکار است)؟!

## آیات آفاقی

### آیات آفاقی<sup>(2)</sup>

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاحْتِلَافِ اللَّيلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفُعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ

ص: 37

1- . (فصلت / 53)

2- أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتَنَا بِهِ حَدَائِقَ ذاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْتُو شَجَرَاهَا إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ \* أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خَلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيٍ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبُحْرَيْنِ حَاجِزًا إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ \* أَمَّنْ يَجِبُ الْمُضْطَرَ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْسِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهٌ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (نمل / 60 تا 62).

**فَأَحْيِ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّياحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخِّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لِيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ** (1)

به یقین در آفریش آسمان ها و زمین و آمد و شد شب و روز و کشتی هایی که در دریا به سود مردم جریان دارند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین را پس از مرگش زنده نموده و در آن از هر نوع جنبنده ای پراکنده کرده و گرداندن بادها (از سویی به سویی) و ابری که در میان آسمان و زمین مسخر است، (در هر یک از این امور هفت گانه) نشانه هایی است (از توحید و قدرت و حکمت خدا) برای گروهی که می اندیشنند.

### آیات انسی (خداشناسی فطري)

**فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ حَنِيفًا فَطَرَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيْمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ** (2)

پس حق گرایانه روی دل خود را به سوی این دین (دین اسلام) کن همان طریقه و آیین فطري خدا که مردم را برابر پایه آن آفریده و سرشه، (و) هرگز تبدیلی در آفریش (تکوینی) خدا نباشد (و در آین تشريعی او هم باید باشد)، این است دین ثابت و استوار و لکن بیشتر مردم نمی دانند.

ص: 38

. -1 . (بقره / 164).

. -2 . (روم / 30).

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ طَهُورِهِمْ دُرْرِيَّهُمْ وَأَشَّهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلِّي شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ \* أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آباؤُنَا مِنْ قَبْلِ وَكُنَّا ذُرَّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ [\(1\)](#)

و آن گاه که پروردگار تو از بنی آدم، از صلب شان اولادشان را برگرفت (آنها را در دنیا از صلب یکدیگر به تدریج در طول تاریخ بیرون آورد) و آنها را (به وسیله درک عقول شان و ابلاغ پیامبران) بر خودشان گواه گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم؟\* یا بگویید: جز این نیست که پدران ما پیش از ما شرک ورزیدند و ما فرزندانی پس از آنها (و طبعاً پیرو آنها) بودیم، آیا ما را به آنچه باطل گرایان انجام داده اند هلاک می کنی؟!

## 5. مراتب شرك (شرك جلى)

### اشاره

شرك همانند توحید مراتبی دارد. عدم باور به هر یک از مراتب توحید، انسان را به مرتبه ای از شرك می اندازد. برخی مراتب شرك موجب کفر و بیرون رفتن از ایمان می شوند که آنها را «شرك جلى» گویند. برخی مراتب دیگر شرك بسیار پنهانند و به آسانی پیدا نمی شوند و از میان نمی روند. از آیات قرآنی نیز بر می آید که ایمان بسیاری از مردمان به شرك آلوده است. [\(2\)](#)

ص: 39

. -1 . (اعراف/172 و 173).

2- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، ص: 205.

شرك در ذات (1)

شرك ذاتی در قبال توحید ذاتی قرار دارد و به این معناست که کسی گمان کند در عالم هستی دو یا چند واجب الوجود و غنی بالذات وجود دارد. این اعتقاد از نگرش دو یا چند قطبی به جهان بوجود می آید. قائل شدن به وجود منشاء تأثیر مستقل در جهان غیر از خداوند و در کنار او قائل شدن به شرك ذاتی برای خداوند می باشد.

ص: 40

1- لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنَى إِسْرَائِيلَ اعْبُدُو اللَّهَ رَبِّيَ وَرَبِّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكُ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَاوَاهُ النَّارِ وَمَا لِلطَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (مائده/ 72). لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٌ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يُقُولُونَ لَيَمَسَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (مائده/ 73). يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُو فِي دِينِكُمْ وَلَا تُقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ الْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تُقُولُوا ثَلَاثَةٌ اتَّهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَالَّدُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (نساء/ 171). وَقَالُوا لَا تَمْرُنَنَّ أَهْلَتُكُمْ وَلَا تَنْرُنَنَّ وَدَادًا وَلَا سُواعًا وَلَا يُغُوثَ وَيُعُوقَ وَنَسَّرًا (نوح/ 23) وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقُوهُمْ وَخَرَقُوهُمْ وَبَنَاتِ بَغْيٍ عِلْمٌ سَبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِدُّ مُؤْنَ (انعام/ .(100

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعَزَّى\* وَمَنَاهَا التَّالِثَةُ الْأُخْرَى\* أَكُمُ الدَّكَرُ وَلَهُ الْأَنْشَى\* تِلْكَ إِذَا قِسْمَةً ضِيزِي (1)

پس به من خبر دهید از لایت و عزی (دوبت بزرگ قبایل عرب)\* و منات، آن سومین بت دیگر (از بت های معروف عرب که به شکل موهومی سه فرشته اند، که آیا اینها شریک خدایند؟)\* آیا (به گمان شما) برای شما پسر است و برای خدا دختر؟!\* در این صورت این تقسیم جائزه ای است.

### ب) شرک در عبادت

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضْرُبُ رُهْمُهُ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هُؤُلَاءِ شُدَّفَاعُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُبَيِّنُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (2)

و آنها به جای خدا چیزهایی را می پرسندند که نه ضرری به آنها می رسانند و نه سودی به آنها می بخشند و می گویند: اینان شفیعان ما در نزد خدایند. بگو: آیا خدا را از چیزی خبر می دهید که نه در آسمان ها از آن خبر دارد و نه در زمین؟! منزه و برتر است از آنچه شریکش می شمارند.

ص: 41

. -1 . (نجم / 19 تا 22).

. -2 . (یونس / 18).

وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ شَيئًا وَ لَا يُسْتَطِيعُونَ[\(1\)](#)

وبه جای خدا چیزهایی را می پرستند که مالک هیچ گونه روزی برای آسمان‌ها و زمین نیستند و هیچ گونه تسلطی هم ندارند.

## ج) شرک در ربویت

ج) شرک در ربویت[\(2\)](#)

شرک در ربویت گاهی به معنی اعتقاد به وجود مدبرات و مؤثرين غیر الهی مانند بتها و...در عالم اند که از آن به شرک در ربویت تکوينی یاد شده و گاهی به معنی اعتقاد به قانون گذاري در چهارچوب اراده های بشری منهای تبعیت از اراده و قانون الهی که مربوط به شرک در ربویت تشریعي است. این شرک در آن به معنای پذيرش قوانين و مقررات غیرالله در زندگی فردی یا اجتماعی است.

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسِيحَ أَبْنَ مَرْيَمَ وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ[\(3\)](#)

ص: 42

. 1- (نحل / 73).

2- وَ إِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشَرَّكُوا شَرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هُؤُلَاءُ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِنَا فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقُولَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ (نحل / 86). قُلْ مَنْ يَرْفُعُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمْنٌ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ مَنْ يَخْرُجُ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مَنْ يَدْبَرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَعَوَّنَ (يوسف / 31).

. 3- (توبه / 31).

آنها دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را خدایانی به جای خداوند (در اطاعت بی قید و شرط دستورات شان) اتخاذ کردند، در حالی که مأمور نشدند جز به آنکه خدای یگانه ای را بپرستند که معبدی جز او نیست، منزه است از آنچه شریک او می سازند.

## 6. شرک در عمل (شرک خفی)

وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُسْرِكُونَ [\(1\)](#)

و بیشترشان به خدا ایمان نمی آورند مگر آنکه [برای او] شریک قرار می دهند.

## 7. شرک بزرگ ترین گناه نابخشودنی

شرک بزرگ ترین گناه نابخشودنی [\(2\)](#)

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيٍ لا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ الشَّرِكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ [\(3\)](#)

ص: 43

- 
- . -1 . (یوسف/106).
  - 2 . لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنَى إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكُ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَأْوَاهُ النَّارِ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (مائده/ 72). إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ ماتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (محمد/ 34).
  - 3 . (لقمان/ 13).

و (به یاد آر) هنگامی را که لقمان به پسرش در حالی که او را پند می داد گفت: ای پسر عزیزم، برای خدا شریک و همتا قرار مده، زیرا شرك ظلمی بس بزرگ است (زیرا بزرگی ظلم به تناسب بزرگی مظلوم است و یکسان شمردن آن که جز از اونعمتی نیست با آن که هیچ نعمتی از او نیست به غایت قبیح است).

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرِكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكُ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَ إِثْمًا عَظِيمًا [\(1\)](#)

بی تردید خداوند این (گناه) را که برای او شریک قرار داده شود نمی آمرزد و غیر آن (یا گناهان فروتر از آن) را برای هر کس که بخواهد (بدون توبه) می آمرزد و هر که به خدا شرك ورزد حقاً که گناهی بزرگ را افترا بسته است.

ص: 44

---

. -1 . (نساء / 48)

اشاره

عکس

□

این نمودار بر حسب زمان است، به همین دلیل با نمودار توحید متفاوت است.

ص: 45

## ۱. ضرورت معاد

کافران، با استبعاد به معاد می نگریستند و هرگز برای نفی آن به دلیلی تمسک نکرده و دلیلی بر رد آن اقامه ننمودند. برخلاف ایشان خداوند متعال آیات روشن فراوانی در امکان و ضرورت معاد بیان نموده است. این آیات چند دسته است.

دسته اول آیاتی است که دلالت دارد آفرینش آغازین بشر به فرمان خداوند صورت گرفته و انسان قبل از خلقت هیچ یا آبی گندیده، یا خاک لجعن و مانند آن بوده است. پس معاد و برگشت آنان مشکل تر از آفرینش نخستین آنها نیست. دسته دوم آیاتی است که خداوند در آنها جریان آفرینش با عظمت جهان هستی به ویژه آسمان ها را برای فرهیختگان، ترسیم و قدرت خود را در خلقت دوباره آفرینش بازگو فرموده است. دسته سوم آیاتی است درباره زندن زمین که خود می تواند نمونه ای حسّی و باز بر امکان زنده شدن مردگان باشد. دسته چهارم آیاتی است که آغاز آفرینش انسان، مراحل اولیه شکل گیری و سپس تحولات و تطورات شگفت آور و سرانجام تکامل جنین به صورت انسان کامل را نمونه ای روشن بر امکان معاد می دارد.

علاوه بر امکان معاد آیات زیادی بر ضرورت وقوع معاد دلالت دارد به طوری که بر اساس این براهین تحقق معاد قطعی و لازم می باشد. برهان حکمت، رحمت، عدالت، حقیقت، فطرت و... عنوان برخی از برهان های معاد می باشد.[\(۱\)](#)

ص: 46

---

- برای مطالعه بیشتر به تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی مراجعه شود؛ (تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۴، معاد در قرآن، صفحه ۱۱۰).

قُلْ يَحْسِبُهَا النَّذِي أَنْشَأَهَا أَوْلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ<sup>(1)</sup>

بگو: «همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هر [گونه] آفرینشی دانست.»

أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا زَيْبَ فِيهِ فَأَيُّ الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا<sup>(2)</sup>

آیا ندانستند که خدایی که آسمانها و زمین را آفریده، توانست که مانند آنان را بیافریند و [همان خداست که] برایشان زمانی مقرر فرموده که در آن هیچ شکی نیست؟ [ولی] ستمگران جز انکار [چیزی را] نپذیرفتند.

فَأَنْظُرْ إِلَى آثارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يَحْسِنُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْرِتها إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْنِي الْمَوْتِي وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>(3)</sup>

پس به آثار رحمت خدا (باران) بنگر که چگونه زمین (وسایر مواد مستعد نمود آن) را پس از مرگش (در بهاران) زنده می کند. حقا که آن خدای زنده

ص: 47

. (یس / 79). -1

. (اسراء / 99). -2

. (روم / 50). -3

کننده مرده ها (در روز واپسین) است و او بر همه چیز تواناست.

أَلْمَ يُكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِي يَمْنِي \* ثُمَّ كَانَ عَلْقَةً فَخَلَقَ فَسَوَى \* فَجَعَلَ مِنْهُ الرَّوْجَينِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى \* أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَحْيِي الْمَوْتَى [\(1\)](#)

مگر او قطره ای از آب منی که در رحم زن ریخته می شود نبود؟! (واز حیث وجود اسپرها و اوول در آن و اسرار نهفته آنها اندازه گیری می شود؟)\* سپس علقه ای (خون بسته ای) شد، پس (خدا) او را (در مراحل دیگری) بیافرید و (اندام های او را) درست و کامل نمود\* آن گاه از آن، دوزوج نر و ماده قرار داد\* آیا چنین خدایی قادر نیست که مرده ها را زنده کند؟!

### 3. براهین معاد

#### الف) برهان حکمت

کار آفرینش و فعل خداوند بی هدف نیست؛ او حکیم است و از حکیم کار بیهوده سرنمی زند. بنابراین، جهان آفرینش که عنوان «مخلوق خداوند بودن» همراه آن است و از مبدلی حکیم پدیده آمده قطعاً هدفی دارد که بدون رسیدن به آن، ناقص خواهد بود و آن هدف همانا صحنه قیامت است که ویژگی های فراوان کمال، ثبات و... را دارد و در صحنه دنیا چنین ظرفیتی نیست. [\(2\)](#)

ص: 48

---

. -1 . (قیامه/ 37 تا 40).

. -2 . همان.

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ [\(1\)](#)

پس آیا گمان کرده اید که شما را بیهوده آفریده ایم و شما هرگز به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟!

## ب) برهان رحمت

رحمت خداوند اقتضا می کند هر صاحب استعدادی را به کمال لایق خود، برساند و رسیدن هر موجودی به هر آنچه آمادگی ذاتی آن را داشته باشد، لازمه خلقت موجودات است.

از سوی دیگر زندگی ابدی و همیشگی در پیش روی انسان است چراکه این انسان در محدوده زندگی زودگذر و تنگ دنیا خلاصه نمی شود و خواهی نخواهی باید به سرای ابدی بستابد. [\(2\)](#)

فَلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ حَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ [\(3\)](#)

ص: 49

-1. (مؤمنون / 115).

-2. همان.

-3. (انعام / 12).

و آنچه در شب و روز آرمیده (آنچه روی کره زمین و اقمار دیگر خورشید که در احاطه سایه و تابش اوست، قرار دارد) از آن اوست و اوست شنا و دانا.

## ج) برهان عدالت

آفرینش جهان بر پایه حق و عدالت نهاده شده است. جهان طبیعتِ ظرفیت پاداش کامل انسان‌ها را ندارد؛ نه پاداش برخی از صالحان که جز به مقام قرب و لقای الهی نمی‌اندیشند ممکن است و نه کیفر پاره‌ای از بزه کاران در جهان طبیعت میسر است. بنابراین،

عدل خداوند ایجاب می‌کند که در پی جهان طبیعت عالمی دیگر و نظامی عادلانه وجود داشته باشد تا در آن عدل و داد بر پا و حساب همگان تسویه گردد.

وَنَصَّعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (۱)

و ما در روز قیامت (برای سنجیدن عقاید و صفات و عمل‌های مکلفین) سنجش‌ها و ترازوه‌های عادلانه می‌نهیم، پس به هیچ کس هیچ گونه ستم نمی‌شود و از استحقاقش کاسته نمی‌گردد و اگر (عمل مکلف در خردی) به وزن دانه خردلی هم باشد آن را می‌آوریم و همین کافی است که ما حسابگریم.

ص: 50

---

. (انبیاء / 47) - 1

## ۴. ایمان به معاد و آخرت

### ایمان به معاد و آخرت (۱)

نسبت دنیا و آخرت نسبت بدن و روح، یعنی نسبت ظاهر به باطن است؛ دنیا و آخرت دو جهان کاملاً مجزاً و منفصل از یکدیگر نیستند؛ عالم دنیا و آخرت و یا به تعبیر دیگر ملک و ملکوت مجموعاً یک واحد است همچون دو بخش از یک کتاب است و یا همچون سکه ای که دو طرف دارد. زمینی که در دنیا هست، همین زمین با چهره ملکوتیش در آخرت پیدا می‌شود. جمادات و نباتات دنیا با وجهه ملکوتی شان در آخرت ظاهر می‌شوند. آخرت وجهه ملکوتی دنیاست.

ایمان به آخرت، یعنی شکافتن دیوار عالم ماده توسط انسان و ورود در محیطی بالاتر و والاتر که این جهان، مزرعه ای برای آن و آموزشگاهی برای آمادگی هر چه بیشتر در برابر آن، محسوب می‌شود، دانستن این که حیات و زندگی این جهان هدف نهائی نیست بلکه نقش دوران سازندگی برای جهانی دیگر را دارد.

زندگی در این جهان همچون زندگی دوران جنینی است که هرگز هدف آفرینش انسان آن نبوده، بلکه یک دوران تکاملی است برای زندگی دیگری، ولی تا این جنین سالم و دور از هرگونه عیب متولد نشود در زندگی بعد از آن خوشبخت و سعادتمند نخواهد بود.

ایمان به رستاخیز اثر عمیقی در تربیت انسان‌ها دارد، به آنها شهامت و شجاعت می‌بخشد؛ زیرا بر اساس آن، اوج افتخار در زندگی این جهان، «شهادت» در راه یک هدف مقدس الهی است که محبوب ترین اشیاء برای فرد با ایمان و آغازی

ص: 51

---

۱- الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالآخِرَةِ هُمْ يُوقَنُونَ (لقمان/4).

است برای یک زندگی ابدی و جاودانی.

ایمان به قیامت انسان را در برابر گناه کنترل می کند و به تعبیر دیگر گناهان ما با ایمان به خداوند و آخرت نسبت معکوس دارند، به هر نسبت که ایمان قوی تر باشد گناه کمتر است.[\(1\)](#)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالآخِرَةِ هُمْ يُوقَنُونَ[\(2\)](#)

و آنان که به آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده و به آنچه پیش از تو (بر پیامبران گذشته) فرو فرستاده شده ایمان دارند و به روز واپسین (قیامت) یقین دارند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِرُونَ وَالنَّاصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ[\(3\)](#)

به یقین کسانی که (به اسلام) ایمان آورده اند و کسانی که یهودی شده اند و صابئین (پیروان نوح یا یحیی) و نصاری، هر یک (از این گروه‌ها که در عصر پیامبر خود) به خدا و روز واپسین ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده باشند، نه بیمی بر آنها (در روز قیامت) می‌رود و نه اندوه‌گین می‌شوند.

ص: 52

---

-1. مطهری مرتضی، مجموعه آثار، ج 1، ص: 304.

-2. (بقره / 4).

-3. (مائده / 69).

## 5. عدم ایمان به آخرت

بی ایمانی نسبت به آخرت علاوه بر این که بیانگر جهان بینی غلط انسان هاست دارای تبعات و آثار منفی در رفتار و نحوه زندگی انسان نیز هست. کسی که اعتقاد به قیامت و حساب و کتاب ندارد مسئولیتی در مقابل اعمال خود نمی بیند، از این رو دست زدن به هر کار خلافی برای او آسان است.[\(1\)](#)

تأثیر عدم ایمان به آخرت علاوه بر امور فردی در مسائل اجتماعی و نظمات انسانی نیز بسیار زیاد است تا آنجا که می توان گفت انسان ها و مخصوصاً ابرقدرت ها، که این طور ظلم و طغيان می کنند در اثر آن است که به قیامت و مسئولیت انسان در پیشگاه خداوند عقیده ندارند، در بسیاری از آیات قرآن عدم ایمان به آخرت را ملاک طغيان و تجاوز شمرده است. عدم ایمان به آخرت عدم اعتقاد به توحید را نیز به همراه دارد.

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ أَعْنَدُنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا [\(2\)](#)

و این که کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند برای آنها عذابی در دنیاک آماده کرده ایم.

و إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اسْمَازَتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يُسْبَشِّرُونَ [\(3\)](#)

ص: 53

---

1- بَلْ يَرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيُفْجُرَ أَمَامَهُ (قیامه/5)

2- . (اسراء/10)

3- . (زمرا/45).

و چون خداوند به تنها بی یاد شود دل های کسانی که به آخرت ایمان ندارند منزجر و متنفر گردد و چون کسانی دیگر جز او (بُت ها) یاد شوند به ناگاه خوشحالی می کنند.

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ مَئُلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثُلُ الْأَعْلَى وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ<sup>(1)</sup>

رأی کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند صفات رشت است (چون اعتقاد به تعدد آله، پرستش جماد، کشتن دختران) و برای خداوند صفات والا و برتر است (مانند وحدت ذات، وجوب وجود، اتصاف به صفات جمال و جلال) و اوست مقتدر غالب و با حکمت.

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنْ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا<sup>(2)</sup>

و همان کسانی که اموال شان را به ریا و برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند و به خدا و به روز واپسین ایمان ندارند. و هر که شیطان قرین و همدم او باشد (بداند که) او بد همدمی است.

ص: 54

---

. -1 . (نحل / 60)

. -2 . (نساء / 38)

وَلِتَصْنُعُ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ وَلِيَرْضُأْ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُفْتَرِفُونَ[\(1\)](#)

نتیجه (وسوسه های شیطان و تبلیغات شیطان صفتان) این خواهد شد که دل های منکران قیامت، به آنها متمایل گردد و به آن راضی شوند و هر گناهی که بخواهند، انجام دهند![\(2\)](#)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرُ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْأَيَّامِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا[\(3\)](#)

ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید، به خدا و فرستاده او و کتابی که بررسیش فرو فرستاده و کتابی که پیش از این نازل کرده به همه این ها ایمان بیاورید و ای کسانی که به زبان ایمان آورده اید (از ته دل) ایمان بیاورید و ای کسانی که ایمان تان محقق شده در حفظ آن استوار باشید. و هر که به خدا و فرشتگان و کتاب ها (ی آسمانی) و فرستادگان او و روز واپسین کفر ورزد حقاً که به گمراهی دور و درازی افتاده است.

ص: 55

---

. -1 . (انعام / 113)

-2 - ترجمه مکارم شیرازی.

. -3 . (نساء / 136)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَعْنُونَهَا عَوْجًا وَ هُمْ بِالآخِرَةِ كَافِرُونَ[\(1\)](#)

آنهايي که (مردم را) از راه خدا بازمى داشتند و برای آن کجى مى خواستند (آن را منحرف نشان مى دادند) و به روز واپسین کافر بودند.

وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ[\(2\)](#)

وروز جزا را تکذيب و انکار مى کردیم.

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ \* الَّذِينَ يَكَذِّبُونَ يَوْمَ الدِّينِ

آنان که روز جزا را تکذيب مى کنند. و آن را جز هر متجاوز گنه پيسه تکذيب نمى کند.

## 6. مرگ

### [مرگ \(3\)](#)

مرگ نیستی و نابودی و فنا نیست، انتقال از عالمی به عالم دیگر و از نشئه ای به نشئه دیگر است و حیات انسان به گونه ای دیگر ادامه می یابد.

آنچه شخصیت واقعی انسان را تشکیل می دهد و «من» واقعی او محسوب می شود، بدن و جهازات بدنی و هرچه از توابع بدن به شمار می رود نیست، زیرا بدن و

ص: 56

- 
- 1 . (اعراف / 45).
  - 2 . (مدثر / 46).
  - 3 . قُلْ لَنْ يَنْفَعُكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ إِوْ القَتْلِ وَإِذَا لَا تَمْتَعُونَ أَلَا قَلِيلًا (احزاب / 16).

جهازات بدنی و توابع آنها به جایی تحويل نمی شوند و در همین جهان تدریجاً منهدم می گردند. آن چیزی که شخصیت واقعی ما را تشکیل می دهد و «من» واقعی ما محسوب می شود، همان است که در قرآن از آن به «نفس» و گاهی به روح تعبیر شده است. این نفس با مرگ توسط ملانکه وارد عالم دیگر می گردد و به سمت خداوند حرکت می کند.[\(1\)](#)

**كُلْ نَفْسٍ ذَاقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ** [\(2\)](#)

هر نفس زنده ای چشنه مرگ خواهد بود، سپس به سوی ما (به عالم برزخ ما به صحنه قیامت ما، به بهشت و دوزخ ما) بازگردانده می شوید.

**قُلْ يَتَوَفَّ أَكُنْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِلَّ بِكُنْ ثُمَّ إِلَى رَبِّكُنْ تُرْجَعُونَ** [\(3\)](#)

بگو: فرشته مرگی که بر شما گمارده شده (روح) شما را (که تمام حقیقت شمامست) کاملاً (از بدن تان) برمی گیرد (و آن روح محفوظ است و بدن خاک می شود)، سپس (در قیامت در قالب همان بدن) به سوی پروردگار تان بازگردانده می شوید.

ص: 57

---

-1 . مطهری مرتضی، مجموعه آثار، ج 2، ص: 515

-2 . (عنکبوت / 57)

-3 . (سجده / 11)

وَ مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا إِذْنُ اللَّهِ كِتَابًا مُّوَجَّلًا وَ مَنْ يَرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَنْ يَرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ سَنَجِزِي الشَّاكِرِينَ (1)

و هیچ کس را نسزد و عقلاً ممکن نشود که بمیرد جز به اراده تکوینی و فرمان خداوند، (مرگ هر زنده ای) نوشته ای است معین و زماندار. و هر کس (از کوشش های خود) پاداش دنیا بخواهد او را از آن می دهیم و هر کس پاداش آخرت بخواهد او را از آن می دهیم و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد.

## 7. بُرْزَخ

اگر چیزی میان دو چیز دیگر حائل و فاصله باشد، آن چیز را «برزخ» می نامند. قرآن کریم از زندگی پس از مرگ تا قیامت کبری با کلمه «برزخ» تعبیر نموده است. این چنین علمای اسلام نام عالم بعد از دنیا و قبل از قیامت کبری را اقتباس کرده و «عالم برزخ» نهاده اند. در آیه برزخ از ادامه حیات بعد از مرگ، همین قدر سخن آمده است که انسان هایی پس از مرگ اظهار پشممانی می کنند و درخواست بازگرداندن به دنیا می نمایند و به آنها پاسخ منفی داده می شود.

آیاتی زیادی است که دلالت می کند انسان در فاصله مرگ و قیامت از نوعی حیات برخوردار است و در آن حال احساس، گفت و شنود، لذت و رنج و سرور و اندوه می کند و بالاخره از نوعی زندگانی سعادت آمیز یا شقاوت آلود برخوردار است.

ص: 58

---

. -1 . (آل عمران/145).

مجموعاً این آیات که به نحوی از انحصار یک جریان حیاتی را یاد کرده است دلالت دارد که انسان در فاصله بین مرگ و قیامت از یک حیات کامل برخوردار است.[\(1\)](#)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ<sup>\*</sup> لَعَلَّى أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُونَ[\(2\)](#)

(آنها در شرک و کفر به سر می برند) تا آن گاه که مرگ یکی از آنان فرا رسید (در قبضه فرشتگان به خداوند) گوید: پروردگارا، مرا بازگردانید\* شاید عمل صالحی در آنچه (در دنیا) واگذاشته ام (از ایام عمر و اموال دنیا) انجام دهم. چنین نیست، آن سخنی است که او گوینده آن است (ولی تحقق نمی پذیرد) و پیش روی آنها (عالم) برزخ است تا روزی که برانگیخته شوند.

وَ لَا تَحْسَبَنَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ[\(3\)](#)

و هرگز گمان میر کسانی که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده اند و در نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

ص: 59

- 
- 1 . مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 2، ص: 515
  - 2 . (مؤمنون / 99 و 100).
  - 3 . (آل عمران / 169).

الَّذِينَ تَسْوَّفُّهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَبِيعَنَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ اذْخُلُوا الْجَنَّةَ إِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (1)

همان کسانی که فرشتگان جان آنها را در حالی که پاکیزه (از پلیدی کفر و فسق) اند می سtanند (به آنها) می گویند: سلام بر شما، به بهشت در آید به پاس آنچه به جا می آوردید (فعلاً وارد بهشت برزخ و پس از قیامت وارد بهشت ابدی گردید).

## 8. در آستانه قیامت

### اشاره

#### در آستانه قیامت (2)

مرحله دوم حیات ابدی انسان، قیامت کبری است. قیامت کبری برخلاف عالم برزخ که مربوط به فرد است و هر فردی بلاfacسله وارد عالم برزخ می گردد در ارتباط با همه افراد و همه عالم، است حادثه ای که همه اشیاء و همه انسان ها را دربر می گیرد و برای کل جهان رخ می دهد؛ کل جهان وارد مرحله جدید و حیات جدید و نظام جدید می گردد.

قرآن کریم ظهور این حادثه بزرگ را مقارن با خاموش شدن ستارگان، بی فروغ شدن خورشید، خشک شدن دریاهای، هموار شدن ناهمواری ها، متلاشی شدن کوه ها و پیدایش لرزش ها و غرّش های عالم گیر و دگرگونی ها و انقلابات عظیم و بی مانند بیان کرده است. مطابق آنچه از قرآن کریم استفاده می شود تمامی عالم به سوی

ص: 60

.1- (نحل / 32).

2- وَيَوْمَ سُيَرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَسْرَنَاهُمْ فَلَمْ تُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا (کهف / 4).

انهدام و خرابی می‌رود و همه چیز نابود می‌شود و بار دیگر جهان نوسازی می‌شود و تولدی دیگر می‌یابد و با قوانین و نظمات دیگر که با قوانین و نظمات فعلی جهان تقاؤت‌های اساسی دارد، ادامه می‌یابد و برای همیشه باقی می‌ماند.

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرُ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتُ وَ بَرْزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (1)

در روزی که این زمین به زمین دیگری تبدیل شود (کوه‌ها نابود، دریاها تبخیر، سطح‌ها هموار شود) و آسمان‌ها نیز (تغییر یابد) و همه (مردگان برای محاسبه و مجازات) در محضر خدای یگانه قهار ظاهر گردند.

إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ \* وَ إِذَا الْكَوَافِرُ انْسَرَتْ \* وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ \* وَ إِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ \* عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَ أَخَرَتْ (2)

آن زمان که آسمان [کرات آسمانی] از هم شکافته شود و آن زمان که ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزنند و آن زمان که دریاها به هم پیوسته شود و آن زمان که قبرها زیر و رو گردد (و مردگان خارج شوند)، (در آن زمان) هر کس می‌داند آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است.

ص: 61

---

. -1 . (ابراهیم / 48)

. -2 . (انفطار / 1 تا 5).

إِذَا الشَّمْسُ كُوَرَتْ \* وَإِذَا النَّجْوُمُ انْكَدَرَتْ \* وَإِذَا الْجِبَالُ سَيَرَتْ \* وَإِذَا الْعِشَارُ عُطَلَتْ \* وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِّرَتْ \* وَإِذَا الْبِحَارُ سَبَّجَرَتْ \* وَإِذَا  
النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (1)

آن گاه که خورشید در هم پیچیده شود (گویی چیزی دورش بپیچند تا خاموش و بی حرارت گردد)\* و آن گاه که ستارگان تیره گردند و فرو ریزنند\* و آن گاه که کوه ها سیر داده شوند (و خرد و متلاشی گردند)\* و آن گاه که شتران آبستن ده ماhe (با ارزش ترین مال آن عصر) رها و بی صاحب مانند\* و آن گاه که همه حیوانات وحشی محشور شوند (از محل مرگ خود بیرون آیند)\* و آن گاه که دریاها پر شوند و جوشان گردند\* و آن گاه که ارواح بربخی با ابدان جدید محشری و نیکان با نیکان و بدان با بدان و مردان بهشتی با همسران خود جفت گردند.

### زمان قیامت

#### زمان قیامت (2)

آگاهی بر زمان قیامت، مخصوص خداوند است «و علِمَ آنَّ تَنْهَا بِهِ خَدَاوَنْدٌ بَازٌ مِّنْ گَرَدَد» «إِلَيْهِ يَرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ». هیچ پیامبر مرسل و فرشته ای، از آن آگاه

ص: 62

- 
- 1. (تکویر / 1 تا 7).
  - 2 وَيُقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (یونس / 48). يسألكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ فُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يَذْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (احزاب / 63).

نیست و نباید آگاه باشند، تا هر لحظه، همگان وقوع آن را احتمال دهند و اثر تربیتی خاص این انتظار، در همه مکلفین محفوظ باشد. نه تنها آگاهی بر زمان قیام قیامت، مخصوص خداوند است، علم به اسرار این عالم و موجودات پنهان و آشکارش، نیز از آن او است.<sup>(1)</sup>

يَسْمَةَ نَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يَجِلُّهَا لِوْقَتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقَلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْثَةً يَسْمَةَ نَلُونَكَ  
كَانَكَ حَفِيْهِ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلِكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ<sup>(2)</sup>

از تو درباره قیامت می پرسند که وقت وقوعش کی است؟ بگو: جز این نیست که علم آن نزد پروردگار من است آن را به موقع خود (احدى) جز او ظاهر نخواهد ساخت (این حادثه) در آسمان ها و زمین (برای ساکنان آنها) سنگین است، جز به ناگهانی بر شما نخواهد آمد. چنان از تو می پرسند که گویی تو کاملاً از آن آگاهی! بگو جز این نیست که دانش آن نزد خداوند است و لکن بیشتر مردم نمی دانند.

ص: 63

---

1- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، ج 20، ص: 31.

2- . (اعراف/187).

## نفح صور (1)

در پایان جهان و آغاز رستاخیز، دو حادثه ناگهانی رخ می دهد: در حادثه اول، همه موجودات زنده فوراً می میرند و در حادثه دوم، که با فاصله ای صورت می گیرد، همه انسان ها ناگهان زنده می شوند و به پا می خیزند و در انتظار حساب رسی به اعمال و پرونده خود می مانند. قرآن مجید، از این دو حادثه به عنوان «نفح صور» تعبیر کرده است که تعبیر کنائی زیبائی است از حوادث ناگهانی و همزمان، زیرا «نفح» به معنی دمیدن و «صور» به معنی شیپور یا شاخ میان تهی است، که معمولاً برای حرکت قافله، یا لشکر، یا برای توقف آنها به صدا در می آوردند، البته آهنگ این دو، با هم متفاوت بوده، شیپور توقف، قافله را یک جا متوقف می کرد و شیپور حرکت، اعلام شروع حرکت قافله بود.

تعابیر نفح صور، بیانگر سهولت این امر است و نشان می دهد که خداوند بزرگ، با یک فرمان که به سادگی دمیدن در یک شیپور است، اهل آسمان و زمین را می میراند و با یک فرمان که آن هم شبیه به «شیپور رحیل و حرکت» است، همه را زنده می کند. (2).

ص: 64

1- . يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يُوْمَئِذٍ زُرْقًا (طه/ 102) . إِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَسَابَ بَيْنَهُمْ يُوْمَئِذٍ وَلَا يَسْأَلُونَ ( مؤمنون / 101).

2- . مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، ج 19، ص: 53

وَنُفْخَ فِي الصُّورِ فَصَعَقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفْخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يُنْظَرُونَ (1)

ودر «صور» دمیده می شود، پس همه کسانی که در آسمان ها و زمین اند می میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد سپس بار دیگر در «صور» دمیده می شود، ناگهان همگی به پا می خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند.

فَإِذَا نُفَخَ فِي الصُّورِ نُفْخَةً وَاحِدَةً\* وَ حُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدَكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً\* فَيُوْمَئِدٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُُ وَ اُنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِدٍ وَاهِيَةً (2)

پس چون در صور یک بار دمیده شود (نفخه اول که مقدمه به هم خوردن نظم جهان هستی است)\* و زمین (از مدار حرکت خود) و کوه ها (از مقر اتصال خود) برداشته (وبر کنار) گردند و هر دو با یک برخورد درهم کوبیده شوند\* پس آن روز است که قیامت تحقق یابد\* و آسمان بشکافد و (نظم و وضع) آن در آن روز سست و متلاشی خواهد شد.

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْواجًا (3)

ص: 65

. -1 . (زمر / 68).

. -2 . (الحاقه / 13 تا 16).

. -3 . (نباء / 18).

روزی که در صور (به نفخه سوم) دمیده شود، پس شما فوج فوج (از گورها به سوی حساب) می آید.

## 10. محشر

### محشر (1)

پس از نفخ صور و زنده شدن مردگان تمام انس و جن در محضر خداوند جمع می شوند که از آن به حشر یا صحنه محشر تعبیر شده است. قرآن کریم این صحنه را به خاطر آثار تربیتی ویژه ای که دارد بارها و بارها به تصویرکشیده است و آن را هم برای مؤمنان و هم مجرمان بیان نموده است با این تفاوت که متین در عرصه محشر با رحمانیت خداوند رویه رو می شوند و مجرمان با غضب و انتقام الهی جمع شدن تمام کسانی که دارای تکلیف بوده اند در طول حیات اعم از انسان یا اجنه در یک جا و انتظار برای حسابرسی به تک تک آنها به همراه هول و هراسی که به خاطر نتیجه سرنوشت ساز آن وجود دارد، انسان را به خود می آورد و او را از آینده خود می ترساند و انگیزه برای کنترل و انضباط رفتار را فراهم می کند.

وَيَوْمَ نَحْشِرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَئْتُمْ وَسُرَكَأُؤْكُمْ فَرَيْلَنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَأُؤْهُمْ مَا كُنْتُمْ إِيَّا نَا تَعْبُدُونَ [\(2\)](#)

ص: 66

---

1- وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشِرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (حجر/25). يَوْمَ نَحْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفُدًّا (مریم/85).

2- . (یونس/28).

و (به یاد آر) روزی که (خداآنده) آنها را (در صحنه قیامت) گرد می آورد در حالی که گویی (در دنیا یا در عالم بزرخ) جز ساعتی از روز در نگ نکرده اند با یکدیگر اظهار آشنازی می کنند (در آن روز) کسانی که دیدار خدا را تکذیب نمودند حتماً زیان کار شده اند و از هدایت یافتگان نیستند.

وَيَوْمَ يُحْسِرُهُمْ كَانَ لَمْ يُلْبِثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ حَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءَ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ[\(1\)](#)

و (یاد کنید) روزی که همه آنها را (در صحنه قیامت) جمع کنیم سپس به کسانی که شرک ورزیده اند گوییم: شما و شریکان تان (از بت و غیر بت هر یک برای بازجویی و محکمه) در جایگاه خود قرار گیرید پس (به وسیله آشکار نمودن حقایق در آن روز) رابطه آنها را با یکدیگر قطع می کنیم و (بدین جهت) شریکان آنها می گویند: شما (در دنیا) ما را نمی پرستیدید (بلکه در واقع هوای نفس خود را می پرستیدید).

## 11. حساب

### حساب [\(2\)](#)

در حسابرسی اعمال، در قیامت، فوق العاده دقت و موشکافی می شود، در برخی آیات از این دقت با تعبیر آوردن دانه خردل یاد شده است. «خردل» دانه بسیار کوچکی از گیاه معروفی است که، در کوچکی ضرب المثل می باشد.

ص: 67

. (یونس / 45) - 1

2- اقْرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ (انبیاء / 1).

این تعبیرات نشان می دهد: در آن حسابرسی بزرگ، کوچک ترین کارها محاسبه می شود و هشدار می دهد که نه گناهان کوچک را کم اهمیت بشمرند و نه اعمال خیر کوچک را. خداوند سبحان در این آیات هشدار می دهد که آنچه مورد محاسبه الهی قرار می گیرد، هر چه باشد کم اهمیت نیست.

یا بُنَى إِنَّهَا إِنْ تَأْكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ حَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَحْرَاءٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ حَبِيرٌ [\(1\)](#)

ای پسر عزیزم، (عمل آدمی) اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی در دل سنگ سختی یا در آسمان ها یا داخل این زمین باشد خداوند آن را (در روز قیامت) خواهد آورد (تا بر اساس آن جزا دهد) زیرا خدا دقیق و باریک بین و آگاه است.

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ إِنْ تُبْسِدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يَحْسِنُ بِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَعْفُرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ  
شَّئْءٍ قَدِيرٌ [\(2\)](#)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است (علاوه بر خود آنها) ملک حقیقی خدادست و اگر آنچه در دل دارید (از عقاید فاسده و ملکات رذیله، نه مجرد

ص: 68

---

-1 . (لقمان / 16).

-2 . (بقره / 284).

ونه ملکات غیر اختیاری) آشکار نمایید یا پنهان سازید خدا شما را به آن محاسبه می کند، پس هر که را بخواهد (به اقتضای رحمتش) می بخشد و هر که را بخواهد (به اقتضای عدش) عذاب می کند و خدا بر هر چیزی تواناست.

## 12. شاهدان

یکی از توقف گاه های قیامت، «موقع شهادت» است. در این توقف گاه، شاهدان بر اعمال انسان گواهی می دهند. گواهان بنابر آیات و روایات، متعددند و با شهادت آنها، راه عذر و انکار بر انسان بسته می شود وجود شاهدان قیامت در تربیت و سازندگی انسان مؤثر است؛ زیرا او می داند که آنچه را در دنیا انجام می دهد، بی کم و کاست به پایش می نویسند و شاهدان معتبری برایش می آورند. نخستین شاهدان قیامت، خداوند متعال است که گواهی خویش را از گذر الهام به فرشتگان مأمور حساب بیان می دارد. دومین شاهد، پیامبران الهی اند. هر پیامبری بر اعمال امّت خویش گواهی می دهد؛ اماً پیامبر اسلام(ص) بر اعمال پیامبران پیش از خود نیز گواهی می دهد. سومین شاهد، امامان معصوم اند. در قرآن کریم آمده است که شما را امّتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و رسول خدا(ص) نیز بر شما گواه باشد. با توجه به اینکه همه افراد امت اسلامی، بر راه میانه نبوده اند و ویژگی های شهادت را نداشته اند، می توان دریافت که مراد از «امّت میانه» در آیه شریف، تنها افرادی خاص هستند.

وَإِمَّا نُرِينَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَنْوَفِينَكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ [\(1\)](#)

و اگر برخی از آنچه را که به آنها وعده می دهیم (از مجازات های دنیوی آنان) به توانشان دهیم یا تورا (پیش از آن) قبض روح کنیم پس (دل محزون مدار، که کیفر اخروی آنها را خواهی دید، زیرا) بازگشت آنها به سوی ماست، آن گاه خداوند بر آنچه انجام می دهنده گواه است.

فَكَيْفَ إِذَا حِنْتَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدٍ وَ حِنْتَا بِكَ عَلَى هُؤُلَاءِ شَهِيدًا [\(2\)](#)

پس چگونه است (حال تو و حال مردم) آن گاه که از هر امتی گواهی بیاوریم (پیامبرشان را برای گواهی به ایمان و کفر و طاعت و فسق آنها بیاوریم) و تورانیز بر اینان (بر این امت یا بر آن گواهان) گواه آوریم؟

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِتَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقِلِبُ عَلَى عَرْقَبِيهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى

ص: 70

---

. (یونس / 46) .-1

. (نساء / 41) .-2

الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَضْعِفَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَوِفٌ رَّحِيمٌ<sup>(1)</sup>

و همان گونه (که برای شما قبله مستقل تعیین کردیم) شما را امتنی میانه (معتدل میان افراط و تقریط) قرار دادیم، تا شما (در روز قیامت) بر مردم گواه باشید و این پیامبر هم بر شما گواه باشد. و ما قبله ای را که بر آن بودی (بیت المقدس را) قرار نداده بودیم جز برای آنکه کسی را که پیروی از این پیامبر می کند از کسی که به عقب بازمی گردد (و در قبله سابق باقی می ماند) بازشناسیم (علم ازلی ما منطبق به معلوم خارجی شود)، هر چند که این حکم جز بر کسانی که خدا هدایت کرده دشوار و سنگین بود و خداوند بر آن نیست که ایمان شما را (پاداش اعتقاد پیشین شما یا عبادت های رو به قبله سابق تان را) ضایع کند، همانا خداوند به مردم رئوف و مهربان است.

### 13. میزان

#### میزان<sup>(2)</sup>

«میزان» معانی متعددی دارد؛ از جمله: اندازه، درست، مطابق با قاعده، بی نقص، علم منطق و یکی از مناصب انسان کامل نزد عرفان. بنابر اعتقادات اسلامی، خداوند در قیامت ترازویی برای سنجش اعمال انسان بر می نهد ماهیت این

ص: 71

1. (بقره / 143).

2- الْقَارِعَةُ \* مَا الْقَارِعَةُ \* وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ \* يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاسِ الْمَبْثُوثِ \* وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ \* فَأَمَّا مَنْ ثُقِلَتْ مَوَازِينُهُ (قارعه 1 تا 6).

ترازو بروش نیست؛ ولی همه مسلمانان به آن ایمان دارند. از برخی روایات برمی آید که مراد از میزان، ترازوی ماذی نیست، بلکه در روز قیامت، پیشوایان بزرگ و نمونه، میزان سنجش اعمال دیگران است. در روایاتی آمده است که میزان، امامان دوازده گانه شیعه است.<sup>(1)</sup>

وَنَصَّعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَ إِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَى بِنَا حَاسِبِينَ<sup>(2)</sup>

و ما در روز قیامت (برای سنجیدن عقاید و صفات و عمل های مکلفین) سنجش ها و ترازو های عادلانه می نهیم، پس به هیچ کس هیچ گونه ستم نمی شود و از استحقاقش کاسته نمی گردد و اگر (عمل مکلف در خردی) به وزن دانه خردلی هم باشد آن را می آوریم و همین کافی است که ما حسابگریم.

فَمَنْ تُقْلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ \* وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ<sup>(3)</sup>

پس هر که سنجیده شده هایش (از اعتقاد و اخلاق و عمل) سنگین و پربها شد، چنین کسانی به حقیقت رستگارند\* و هر که سنجیده شده هایش سبک و

ص: 72

---

1- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، ص: 440

2- (انبیاء / 47).

3- (مؤمنون / 102 و 103).

بی ارج باشد (چون عقاید کفری و رذایل اخلاقی و محرمات عملی) چنین کسانی هستند که در وجود نفس خودشان زیان کرده، در جهنم جاوداند.

## 14. شفاعت

### شفاعت(1)

کلمه «شفاعت» از ریشه «شفع» به معنی (جفت) و «ضم الشیء الى مثله» گرفته شده و نقطه مقابل آن «وتر» به معنی تک و تنها است. عنصر «شفاعت» در معنی صحیحش برای حفظ تعادل خوف و رجاء در انسان است و وسیله‌ای است برای بازگشت گناهکاران و آلدگان، در حالیکه در معنی غلط و نادرستش موجب تشویق و جرأت بر گناه است.

ص: 73

۱- أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شَفَاعَةً قُلْ أَوْلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَ لَا يَعْقِلُونَ \* قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (زمرة/ 43 و 44). وَلَقَدْ جِئْنَاكُمْ فِرَادِيٌّ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةً وَ تَرَسَّتْ مَا حَوْلَنَاكُمْ وَ رَأَةُ ظُهُورِكُمْ وَ مَا نَرَى مَعَكُمْ شَفَاعَةً كُمْ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيْكُمْ شَرِكَاءُ لَقَدْ نَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَ صَلَّى عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَرْعُمُونَ (انعام/ 94). فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (مدثر/ 48). وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخْافُونَ أَنْ يَحْشُرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيَ وَ لَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّسَعُونَ (انعام/ 51). وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيَطَّاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَابًا رَحِيمًا (نساء/ 64)

کسانی که جنبه های مختلف شفاعت و مفاهیم صحیح آن را از هم تکییک نکرده اند گاه بکلی منکر مسأله شفاعت شده، آن را با توصیه و پارتی بازی در برابر سلاطین و حاکمان ظالم برابر می دانند! و گاه مانند و هاییان آیه ای را که می گوید: «وَ لَا يَقْبُلُ مِنْهَا شَفَاعَةً» در قیامت از کسی شفاعت پذیرفته نمی شود بدون توجه به آیات دیگر دستاویز قرار داده و به کلی شفاعت را انکار کرده اند.

آیات شفاعت به خوبی نشان می دهد که مسأله شفاعت از نظر منطق اسلام یک موضوع بی قید و شرط نیست بلکه قیود و شرایطی، از نظر جرمی که در باره آن شفاعت می شود از یک سو، شخص شفاعت شونده از سوی دیگر و شخص شفاعت کننده از سوی سوم دارد که چهره اصلی شفاعت و فلسفه آن را روشن می سازد.[\(1\)](#)

وَ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فَزَعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا إِنَّا أَنْهَيْنَا أَنْفُسَنَا وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْكَبِيرِ[\(2\)](#)

و شفاعت کردن و مورد شفاعت واقع شدن در نزد او (در آن روز) سودی نمی بخشد جز برای کسی که به او اذن دهد (که شفاعت کند یا مورد شفاعت قرار گیرد و گهکاران در آن روز در وحشت اند) تا چون (در مقدمه صدور اذن) فرع و وحشت از دل های آنها زایل شود (به شافعان) گویند: پروردگار تان چه گفت؟ گویند:

ص: 74

- 
- 1- مکارم شیرازی ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، ج 1، ص: 74.
  - 2- . (سبا / 23).

(کلامی) حق (گفت و اذن در شفاعت داد) او والا و بزرگ است.

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يُشَفَّعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَ هُمْ مِنْ خَحْشِيهِ مُشْفَعُونَ (1)

خداؤند

از گذشته آنها (آنچه از بد و خلقت شان انجام داده اند) و آینده آنان (آنچه تا ابد خواهند کرد) آگاه است و آنها جز برای کسی که خدا (عقاید) او را پسندیده شفاعت نمی کنند و آنها از ترس خدا بیمناک اند.

وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَ لَا يَقْبُلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَ لَا هُمْ يُنْصَرُونَ (2)

و پرهیزید از روزی که هیچ کس از دیگری چیزی از عذاب را دفع نمی کند و از وی (به جای عذاب) بدل پذیرفته نمی شود و شفاعتی او را سود نمی بخشد و آنان یاری هم نمی شوند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (3)

ص: 75

---

. -1 . (انبیاء / 28)

. -2 . (بقره / 123)

. -3 . (مائده / 35)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خداوند پروا کنید و (برای تقریب) به سوی او (از مقربان درگاهش و از عمل های صالح) وسیله بجویید و در راه او جهاد کنید، شاید رستگار گردید.

## 15. اعراف

اعراف مکانی است بلند میان بهشت و دوزخ که بر آن دو جا اشرف دارد. در اعرف، مردانی الهی جای دارند که دوزخیان و بهشتیان را به خوبی باز می شناسند و با آنان سخن می گویند، دوزخیان را سرزش می کنند و بهشتیان را به فرمان خداوند متعال روانه بهشت می سازند. «اعرف» جمع «عرف» است به معنای مکان بلند. از همین رو است که تاج خروس و یال اسب رانیز «عرف» گویند. قرآن کریم تنها در چهار آیه سوره اعرف از آن سخن گفته است. امامان معصوم (ع) در تفسیر این آیات، درباره اعرف و کسانی که در آن اند، بسی سخن گفته اند.

وَيَأْتِهِمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يُعْرَفُونَ كُلًاً بِسِيمَاهِمْ وَنَادَوَا أَصَّهَ حَابَ الْجَنَّةَ أَنْ سَدَلَمُ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يُطْمَعُونَ\* وَإِذَا  
صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تَلْقَاءَ أَصَّهَ حَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ\* وَنَادَى أَصَّهَ حَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يُعْرَفُونَهُمْ بِسِيمَاهِمْ قَالُوا مَا  
أَغْنَى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْرِرونَ\* أَهُؤُلَاءِ الدِّينِ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنْأِلُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزُنُونَ[\(۱\)](#)

ص: 76

---

. (اعرف 46 تا 49). -1

و میان آن دو گروه (بهشتیان و دوزخیان) حجاب و حایلی است و بر کنگره های آن حجاب مردانی هستند (از معصومین و اولیاء حق) که هر گروهی را به سیماشان می شناسند و آنان به اهل بهشت ندا می دهند که سلام بر شما بهشتیانی که هنوز وارد آن نشده اند و امید آن را دارند.

\* و چون چشمان شان به سوی اهل آتش برگردانده شود، گویند: پروردگارا، ما را با گروه ستمکاران قرار مده\* و کسانی که بر آن کنگره ها قرار دارند مردانی را (از دوزخیان) که از صورت هایشان می شناسند ندا دهند (وبه عنوان شمات) گویند: (دیدید که) اجتماع و جمعیت شما (یا گرد آوردن مال تان) و تکبر ورزیدن تان (عذابی را) از شما دفع نکرد!\* (وبا اشاره به مؤمنان گویند) آیا اینها هستند کسانی که سوگند یاد می کردید که خدا رحمتش را به آنها نمی رساند؟ (آن گاه به مؤمنان گویند) به بهشت درآید که نه بیمی بر شما می رود و نه اندوهی خواهد داشت.

## 16. دوزخ و اوصاف آن

دوزخ و اوصاف آن [\(1\)](#)

دوزخ همان جای مشهوری است که پر از آتش و موجودات وحشتناک و

ص: 77

---

1- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَ الرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الْذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا - يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرُهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ \* يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَّزْتُمْ لِأَنَّهُمْ كُفَّارٌ فَلَمَّا كَانُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ (توبه 34 و 35).

مودی است و کافران و بدکاران پس از مرگ بدانجا برده می شوند و به سزای کردار خویش می رسند.

عذاب های دوزخ هم روحی اند و هم جسمی. برخی جهتمندان همیشه در آنجا می مانند و برخی دیگر پس از مدتی بخشووده می شوند و به بهشت می روند. تنها راه خلاصی از جهنم یا پایان کیفر مقرر است و یا شفاقت شفیعان. گناهان برخی کسان چنان سنگین است که در جهنّم جاودان خواهند شد.

جهنّم جای عمل نیست و بنابراین نمی توان در آنجا با عمل صالح، خویش را از عذاب رهانید. از منظر شیعه، وجود جهنّم، از مظاهر عدل الهی است. خداوند از روی عدل خویش، در آن سرای، میان مؤمنان و کافران و نیکوکاران و زشتکاران جدایی می اندازد. قرآن کریم، برای جهنّم نام‌ها و صفت‌ها برنهاده است که عبارت اند از: سَقَرْ (مدثر/26)، سَعِير (شوری/7)، جَحِيم (نازعات/39) لَظَى (معارج/15)، حُطَمَه (همزه/4 و 5)، هاویه (قارعه/8)، حَصِير (اسراء/8) و دَارُ الْبَوَار (ابراهیم/28).

فَإِذْ كُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ[\(1\)](#)

پس از درهای جهنم (یا به طبقات آن) وارد شوید در حالی که جاودانه در آنجاید. پس بسیار بد جایی است جایگاه متکبران.

ص: 78

---

. -1 . (نحل/29).

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ [\(1\)](#)

آن را هفت در است برای (ورود از) هر دری بخشی از آنان تقسیم شده است، یا آن را هفت طبقه است که برای هر طبقه گروهی از آنان بر حسب اختلاف کیفر تقسیم بندی شده اند.

خُذُوهُ فَغُلُوْهُ \* ثُمَّ الْجَحِيْمَ صَلُوْهُ \* ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًاً فَاسْلُكُوهُ [\(2\)](#)

(دستور می رسد) او را بگیرید و در غل و زنجیر کنید\* سپس او را در آتش فروزان درآورید و بسوزانید\* سپس در زنجیری که درازایش هفتاد گز است در بند کشید.

## 17. بهشت و اوصاف آن

بهشت و اوصاف آن [\(3\)](#)

بهشت جایی است خوش آب و هوا و فراخ و پُر نعمت و آراسته که نیکوکاران

ص: 79

. (حجر/44). -1

. (الحاقة/30). -2

3- يطأْفُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيَ الْأَنْفُسُ وَتَلَدُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (زخرف/71). وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (آل عمران/133).

پس از مرگ، در آن جاودانه می‌شوند از نظر قرآن، مؤمنان و صالحان سرانجام به جایگاه ابدی به نام «جنت» می‌روند و زندگی پرنعمت و خوشی را در پیش می‌گیرند. بنابر آیات قرآن، این وعده الهی، قطعی است. از نام‌های دیگر بهشت می‌توان به فردوس، جنة المأوى، جنة النعيم، جنة الخلد و جنة عدن اشاره کرد. قرآن از دو بهشت یاد کرده است، یکی در عالم بزرخ که موقّت است و دیگر در قیامت که جاودان است. بنابر روایات معصومین (عليهم السلام)، مناظر بهشت هر چشمی را خیره می‌کند و نعمت‌هایش پایان نمی‌پذیرد و شادی اش از میان نمی‌رود و اقامت در آنجا همیشگی است. کسی در آنجا آسیب نمی‌بیند و هراسی ندارد و زندگی در آنجا به کام بهشتیان است. قرآن کریم، بهشت را ابدی و ماندگار خوانده و وسعت آن را به اندازه آسمان‌ها و زمین دانسته است.<sup>(1)</sup>

وَبَشَّرَ الرَّّدِّيْنَ آمُّنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِّزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُشَابِهًـا وَلَهُمْ فِيهَا أَرْوَاحٌ مُّظَهَّرٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ<sup>(2)</sup>

وکسانی را که ایمان آورده و عمل‌های شایسته کرده اند بشارت ده که برای آنها بهشت‌ها یا باغ‌هایی است که از زیر (ساختمان و درختان) آنها نهرها روان است، هر

ص: 80

- 
- 1. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، ص: 162
  - 2. (بقره / 25).

گاه از آن باغ ها از میوه ای به آنها روزی داده شود گویند: این همان است که از پیش (در دنیا) روزی ما شده است و همه میوه ها به نزد آنان (در زیبایی و لطافت) شبیه هم آورده می شوند و برای آنها در آنجا همسرانی است پاکیزه (از عادت زنانه و مرض و بد خوبی) و آنها در آن جاودانه اند.

وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* أُولَئِكَ الْمَقْرَبُونَ \* فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ \* تُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ \* وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ \* عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ \* مُتَكَبِّلِينَ \*  
يُطْوِفُ عَلَيْهِمْ وَ لِدَانٌ مُخَلَّدُونَ \* يَأْكُوبٌ وَ أَبَارِيقَ وَ كَلْسٌ مِنْ مَعِينٍ \* لَا يَصَدَّدُونَ عَنْهَا وَ لَا يَنْزِفُونَ \* وَ فَاكِهَةٌ مِمَّا يَتَحَرِّرُونَ \* وَ لَحْمٌ طَيْرٌ مِمَّا  
يَشْتَهِيْونَ \* وَ حُوْرٌ عَيْنٌ \* كَامِنَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ \* جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ \* لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْثِيمًا \* إِلَّا قِيلَّا سَلَامًا<sup>(1)</sup>

و (سوم) پیشگامان (در ایمان) سبقت گیران (در تقوی) \* آنها مقربان (در گاه) اند\* در بهشت ها و باغ های پرنعمت خواهند بود\* گروه انبوهی از پیشینیان (معصومین از گذشتگان) \* و اندکی از پسینیان (معصومین امت اخیر)\* بر تخت هایی بافته شده (از طلا، آراسته به جواهر و چیده شده در ردیف هم)\* تکیه داده بر آنها رو به روی یکدیگر \* همواره به گرد آنها پسرانی جاودانی (در طراوت و نوجوانی) و دستبند و

ص: 81

گوشواره دار می گردد\* با تنگ ها و ابریق ها و جام هایی از شرابی روان (و جاری از سرچشمه)\* که از آن نه سردرد می گیرند و نه عقل شان زایل می گردد\* و با میوه از آنچه انتخاب کنند\* و گوشت پرنده از هر چه میل نمایند\* و (برای آنها در آنجا) زنانی است سفیدپوست و درشت چشم وزیبا\* همانند مرواریدی نهان در صلف (که نه تغییر رنگ داده و نه دست کسی به آن رسیده)\* به پاداش آنچه (در دنیا از عمل های شایسته) به جا می آوردنده\* در آن بهشت ها هرگز سخنی لغو و گناه آور نمی شوند\* مگر سخن سلام (علیک) سلام (علیک).

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفَّىٰ وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ النَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا قَطْعَ أَمْعَاءَهُمْ (1)

توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، چنین است: در آن نهرهایی از آب صاف و خالص که بدبونشده و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته و نهرهایی از شراب (ظهور) که مایه لذت نوشندگان است و نهرهایی از عسل مصفّاست و برای آنها در آن از همه انواع میوه ها وجود دارد و (از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارشان! آیا اینها همانند کسانی هستند که همیشه در

ص: 82

---

.(15) .-1 (محمد /)

آتش دوزخند و از آب جوشان نوشانده می شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می کند.

## 18. معاد جسمانی

انسان مرگب از روح و بدن است، با پایان یافتن عمر دنیاگی به عالم بربخ می رود. از جمله اعتقادات اسلامی و شیعی این است که چون قیامت می رسد، باری دیگر انسان با جسم و روح خویش زنده می شود و برای محاسبه به محشر درمی آید و اگر نیکوکار باشد، پاداش می بیند و اگر بدکار باشد، به کفر می رسد.

برخی از فلاسفه درباره معاد جسمانی به معنی بازگشت روح به جسدی مادی بحث های مفاسد لی پیش کشیده و به اشکالاتی عقلی برخورده اند. متشرّعان و بیش تر متکلمان، معاد جسمانی را از باب تعبد پذیرفته اند و بر آن اند که خداوند قادر است، بندگان را دویاره بیافریند همان سان که در مرتبه نخست آفرید. ابن سينا بر آن است که اثبات معاد جسمانی از راه اخبار و آیات آسان است؛ ولی آن به روش فلاسفه نمی توان از راه عقل ثابت کرد. ملا صدرای شیرازی با استفاده از بدن مثالی و بربخی کوشیده است به این مسئله با همان معنا که شرایع بیان کرده اند، صورت فلسفی بیخشد آن سان که نه قواعد فلسفی بر هم خورد و نه در اصول شرایع خللی پدید آید.<sup>(1)</sup>

ص: 83

---

1- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، ص: 413.

وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِي خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يَحْىِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ \* قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةً وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ \* الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَتَتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ \* أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلِى وَهُوَ الْخَلَقُ الْعَلِيمُ [\(1\)](#)

و برای ما مثالی زد در حالی که آفرینش خود را فراموش نموده، گفت: چه کسی این استخوان ها را زندگی می بخشد در حالی که چنین پوسیده و خاکستر شده است\* بگو: کسی آن را زنده می کند که نخستین بار پدیدش آورد و او به هر (نوع) آفرینش و به هر آفریده ای داناست\* همان که برای شما از درخت سرسبز و تر (به نام مرخ و عغار) آتشی (خشک و سوزان) پدید آورد، پس شما از آن (به مالیدن دو شاخه سبز به یکدیگر) به نگاه آتش می افروزید\* و آیا کسی که آسمان ها و زمین را آفریده توانا نیست بر اینکه امثال آنها را بیافریند (اجزای شان را از میان خاک گرد آورد و شکل دهد که در صورت، مماثل آنها و در ماده عین آنها باشد)؟

وَقَالُوا إِذَا ضَلَّلْنَا فِي الْأَرْضِ إِنَّا لَفِي حَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ [\(2\)](#)

و (مشارکان) گفتند: آیا هنگامی که در دل زمین متلاشی و گم شدیم آیا باز در

ص: 84

---

. -1 . (یس / 78 تا 81).

. -2 . (سجده / 10).

یک آفرینش تازه ای قرار خواهیم گرفت؟! (قدرت ما محدود نیست) بلکه آنها دیدار پروردگارشان را انکار می کنند\* بگو: فرشته مرگی که بر شما گمارده شده (روح) شما را (که تمام حقیقت شماست) کاملاً (از بدن تان) برمی گیرد (و آن روح محفوظ است و بدن خاک می شود)، سپس (در قیامت در قالب همان بدن) به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلَنَا هُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا (1)

بی تردید کسانی که به آیات (قرآن) و نشانه های (توحید) ما کفر ورزیده اند به زودی (به محض مرگ در عالم بزرخ یا در قیامت که در نظر خداوند زود است) آنها را به آتشی (سوزان) درآوریم و حرارتی را به آنها بچشانیم هر گاه که پوست شان بریان و پخته گردد برای آنها پوست های دیگری به جای آن بیاوریم تا (کاملاً) عذاب را بچشند حقاً که خداوند مقتدر و دارای حکمت است.

ص: 85

---

.(56/1) .(نساء / 1)

عکس

□

ص: 86

### روابط انسانی

#### اشاره

انسان در تعامل با هستی چهار نوع رابطه را دائماً تجربه می کند. این روابط پایه رفتارهای انسان در حوزه های مختلف فردی و اجتماعی او را تشکیل می دهد. این روابط عبارتند از ارتباط انسان با خداوند سبحان و ماوراء طبیعت، ارتباط انسان با خویشتن، ارتباط و تعامل با مردم، و در نهایت ارتباط با طبیعت. اینها روابطی هستند که تمام فعالیت ها و رفتارهای انسان را در خود جای داده است. انسان در ارتباط با خداوند به عبادت و عبودیت رو می آورد و جنبه های متعالی روح خود را پرورش می دهد. در ارتباط با خود به خودشناسی و خودسازی دست می یابد که در واژه ورود به آموزه های دینی مورد نیاز انسان است. در ارتباط با مردم به روابط جمعی و مسئولیت های اجتماعی خود در رده های مختلف جمعیتی اعم از خانواده فامیل شهر، کشور و ... در حوزه های مختلف می پردازد. برخی از عنوانین اخلاقی مانند توکل، صبر جامع جنبه های مختلف فردی و اجتماعی و اخلاق بندگی می باشند که می توان آنها را به عنوان عناصر اخلاقی مشترک نامید.

ص: 87

انسان در ارتباط با طبیعت نیازمند شناخت درست از طبیعت و تنظیم صحیح روابط و تعامل با طبیعت است تا هم خالق را از طبیعت حذف نکند و هم خود را مالک و همه کاره عالم نداند. قرآن کریم برای ایجاد نظام ارزشی و رفتاری کامل و همه جانبه و صحیح در همه حوزه های انسانی خصوصاً در روابط چهارگانه آیات متعددی را به صورت صریح یا به کنایه بیان نموده است تا آنجا که می توان قرآن کریم را کتاب انسان شناسی و کامل ترین نسخه هدایت انسان در همه حوزه های مورد نیاز او دانست.

عکس

ص: 88

انسان از آن جهت که دارای دو بعد روح و جسم است از بعد روحانی خود با عالم ماوراء ماده در ارتباط و تعامل است. انسان در عمق جان و روح خود از ماوراء این جمادات و مادیات و به طور خاص از خداوند الهامات و دریافت هائی معنوی دارد که در سطوح مختلف دارای اسامی گوناگون مانند وحی و الهام و ... می باشد. علاوه بر این الهامات ایمان و اعتقاد کامل به معارف و حیانی ثمره دیگر این ارتباط می باشد و آنها را پایه و مایه رفتارهای خرد و کلان خود قرار می دهد. توکل، رضا، تسلیم، تعبد و بندگی، خوف از خداوند، خشوع، امید به رحمت الهی و حسن ظن به خداوند و .... از جمله روابط انسان با خداوند و برخی رفتارهای انسان نسبت به عقاید و جهان بین الهی انسان می باشد. البته علاوه بر این گونه رفتارهای مؤمنانه رفتارهایی نیز که از سر بی اعتقادی و یا دشمنی با خداوند است نیز در بین برخی از مردم وجود دارد که خداوند سبحان به برخی از آنها مانند کفر، سوءظن به خداوند، نامیدی از رحمت خداوند، عداوت و دشمنی با خداوند و رسول، بی صبری، ناسپاسی از نعم الهی و ... اشاره نموده است.

چنانچه گذشت منشأ روابط مثبت یا منفی با خداوند به نوع جهان بینی انسان نسبت به عالم و خویشتن باز می گردد. ایمان و عمل صالح زاییده اعتقاد به وجود الله با اوصاف و اسماء الهیه است و کفر و فسق و فساد زاییده بی اعتقادی نسبت به باری تعالی و اسماء حسنا و صفات علیای او می باشد.

## 1. تقوای الهی و توکل

وَمَنْ يَتَّقِيَ اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرِجًا \* وَيُرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْسَبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَمَدٌ بِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالْغَالِبِ أَمْرٌ فَإِذْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا .<sup>(1)</sup>

هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، اور از جایی که گمان ندارد روزی می دهد و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند خداوند فرمان خود را به انجام می رساند و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است!

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفِي بِاللَّهِ وَكِيلًا .<sup>(2)</sup>

وبر خدا توکل کن و خدا در وکالت و کارسازی (امور بندگانش) کافی است.

## 2. شکر الهی

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يُشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ .<sup>(3)</sup>

ص: 90

---

. -1 . ( طلاق 2 و 3 )

. -2 . ( احزاب / 3 )

. -3 . ( لقمان / 12 )

و همانا ما به لقمان حکمت دادیم (دانش های پرسود عقلی و نقلی دادیم و از جمله این را گفتیم) که خدا را سپاس گزار و هر که سپاس گزارد، جز این نیست که به سود خود سپاس می گزارد و هر که کفران کند بی تردید خداوند بی نیاز و ستد (صفات و افعال) است.

و إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ<sup>(1)</sup>.

و (به خاطر آرید) زمانی که پروردگارتان اعلام کرد که اگر شکر گزارید حتماً بر (نعمت های) شما می افزایم و اگر کافر شدید یا ناسپاسی کردید البته عذاب من بسیار سخت است.

### 3. خوف الهی

و لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ<sup>(2)</sup>.

و برای کسی که از تسلط و احاطه پروردگارش، یا از قیام خود در حضور پروردگارش بترسد دو بهشت است.

ص: 91

---

. -1 . (ابراهیم / 7).

. -2 . (الرحمن / 46).

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهُوَى \* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى .[\(1\)](#)

واما کسى که از مقام و منزلت پروردگار خود و از ایستادن در برابر او ترسیده و نفس را از هواها منع کرده\* پس بى شک بهشت جایگاه اوست.

#### 4. خشوع و خشیت

الَّمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَّلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا - يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ فَقَسَّتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ .[\(2\)](#)

آیا برای کسانی که ایمان آورده اند وقت آن نرسیده که دل هایشان برای یاد خدا و برای آنچه از حق نازل شده فروتن و خاشع شود و مانند کسانی نباشند که پیش از آنها کتاب (آسمانی) به آنها داده شده بود، پس مدت (عمر و خوشی زندگی) بر آنها طولانی شد و دل هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها نافرمان بودند؟!

الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشُونَهُ وَلَا يُخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهُ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا .[\(3\)](#)

ص: 92

. (نازعات/ 40 و 41).

. (حدید/ 16).

. (احزاب/ 39).

همان کسانی که رسالت ها و پیام های خدا را (به مردم) می رسانند و از او می ترسند و از احدهی جزو اونمی ترسند و خدا در حسابرسی (باطن و عمل های خارج آنها) کافی است.

## 5. شب زنده داری

### شب زنده داری (1)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَعْثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً (2).

و پاره ای از شب را برای آن (تلاؤت قرآن و خواندن نافله شب) بیدار باش، (که این) وظیفه ای افزون برای تو (است) باشد که پروردگارت تورا به مقامی در خورستایش (مقام شفاعت) برانگیزد.

یا أَيَّهَا الْمُزَمِّلُ \* قُمِ الْلَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا \* نِصْفَهُ أَوِ اثْقَلُهُ مِنْهُ قَلِيلًا \* أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا \* إِنَّا سَنُنْقُنِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا \* إِنَّ نَاسِهَا اللَّيْلُ هِيَ أَشَدُ وَطْنًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (3).

ای جامه بر خود پیچیده\* شب را جز اندکی (برای نماز و عبادت) برخیز\* نصف شب را یا اندکی از نصف کم کن (یک سوم آن را)\* یا بر نصف بیفزای (دو سوم آن را)

ص: 93

---

1- تَسْجَافِي جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعاً وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (سجده/16).

2- . (اسراء/79).

3- . (مزمل/1 تا 6).

و قرآن را با ترتیل (شمرده و آرام و با ترتیب) تلاوت کن\* همانا ما به زودی بر تو سخنی سنگین القا خواهیم کرد (آیاتی سنگین از نظر فهم معانی، اتصاف نفس به حقایق آن، عمل به فرامین آن، ابلاغ آن به مردم، پیاده کردن آن در مجتمع و درک و عمل جامعه به آن)\* زیرا عبادتی که در شب صورت می گیرد محکم تر و پابرجاتر و گفتار در آن درست تر و استوارتر است.

## 6. عدم بد گمانی به خداوند متعال

عدم بد گمانی به خداوند متعال [\(1\)](#)

و يَعْذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُشْرِكَاتِ الظَّانِينَ بِاللَّهِ ظَنَ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِيبُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ لَعْنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا [\(2\)](#).

و مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می برند عذاب کند بر آنها باد حوادث بد زمانه و خداوند بر آنها غضب کرده و آنها را لعن و طرد نموده و برای آنها جهنم را آماده ساخته و آن بد جای بازگشتی است.

ص: 94

---

1- إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَ مِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَ إِذْ زاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (احزاب/10).  
2- . (فتح/6).

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَنْكِنُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. (1)

بگو: ای بندگان من که در جنایت به خویش (به واسطه گناه) از حد گذشتید، از رحمت خدا نومید مگردید، بی تردید خداوند همه گناهان را (به وسیله توبه هر چند شرك باشد) می آمرزد، زیرا اوست آمرزنده و مهربان.

يَا بَنَى اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَأسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْلَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ. (2)

ای پسران من، برويد و از یوسف و برادرش جستجو کنيد و از فرج و رحمت خدا نوميد نشويد، که جز کافران از رحمت خدا نوميد نگرددند.

ص: 95

. (زمر / 53) . -1

. (یوسف / 87) . -2

عکس

□

ص: 96

## اشاره

شناخت خویشتن و نحوه تعامل با خود یکی از کلیدی ترین و مهم ترین مباحث انسان شناسی و انسان سازی است که پایه بسیاری از رفتارها و تعاملات بعدی بشر در حوزه های مختلف ارتباطی با امور مختلف را می سازد. نگاه انسان به ظرفیت ها و استعدادهای خود و اهداف و غاییات خلقت خویش باعث تأثیرگذاری در حوزه های مختلفی مانند آسیب شناسی رفتارهای انسان و ارزش گذاری رفتارهای خوب و بد می شود، همچنین در نحوه برخورد با مشکلات و مصائب زندگی نقش بسیار تعیین کننده دارد. قرآن کریم با تبیین جایگاه انسان، رفتارهایی مانند مراقبت از خود، توبه، تهجد و تصرع به درگاه خداوند، تسلیم نشدن در برابر شهوات و خواهش ها و انحرافات، عفت و پاکدامنی در صحنه های مختلف زندگی و... را برای انسان تعریف و تبیین نموده و بهترین عکس العمل ها و شناخت ها را در این زمینه به انسان معرفی می کند.

ص: 97

## مراقبه(1)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيَبْيَسُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. (2)

ای کسانی که ایمان آورده اید، مراقب خودتان باشید، اگر شما خود هدایت یافتید (ضلالت) کسی که گمراه شده به شما زیانی نمی رساند (هر چند باید اورانیز دعوت کنید)، بازگشت همه شما به سوی خداست پس شما را از آنچه می کردید آگاه خواهد نمود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَتَّرُدْ نَفْسٌ مَا قَدَّمْتُ لِغَدِيرَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ. (3)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و هر کسی باید (به دیده دل) بنگرد چه چیزی برای فردا (ای خویش) پیش فرستاده و از خدا پروا کنید، که خدا از آنچه می کنید آگاه است.

ص: 98

1- . يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيْكُمْ نَاراً وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُمُونَ اللَّهَ مَا أَمْرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمِرُونَ (تحریم/6).

2- . (مائده/105).

3- . (حشر/18).

...إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَابِينَ وَيَحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ .[\(1\)](#)

...، همانا خداوند کسانی را که زود و زیاد توبه می کنند و کسانی را که کوشانند در پاکی اند دوست دارد.

...وَ تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا إِيَّاهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ .[\(2\)](#)

و همگی شما ای مؤمنان به سوی خدا (در تمام ابعاد انسانی) بازگردید، باشد که رستگار شوید.

### 3. عفت و پاکدامنی

وَ لَيْسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَحِدُونَ نِكاحًا حَتَّى يَغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ...[\(3\)](#)

و کسانی که (وسائل) ازدواج را نمی یابند باید پاکدامنی ورزند تا خدا آنها را از فضل خویش بی نیاز سازد.... .

ص: 99

---

. -1 . (بقره / 222).

. -2 . (نور / 31)

. -3 . (نور / 33)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَرْوَاجِهِمْ أُوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ.[\(1\)](#)

و آنان که نگهدارنده نیروی شهوت خویش اند\* مگر با همسران خود یا کنیز ملکی خود، که آنان (در اعمال شهوت در این موارد) مورد سرزنش نیستند.

#### 4. پیروی از شهوت و نکوهش آن

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَصْنَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يُلْقَوْنَ غَيْرًا.[\(2\)](#)

سپس در پی آنها جانشینانی آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوت های (نفس) پیروی کردند، پس به زودی (سزا و کیفر) گمراهی خود را خواهند دید.

#### 5. سوء ظن به خود

وَ مَا أُبَرِّئُ نُفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَا مَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ.[\(3\)](#)

ص: 100

---

. (مؤمنون/ 5 تا 7) و (معارج/ 29 تا 31). -1

. (مریم/ 59). -2

. (یوسف/ 53). -3

و (یوسف یا زن عزیز گفت) من نفس خود را (بدون توجه و مراقبت های الهی) تبرئه نمی کنم، زیرا که نفس (انسانی) پیوسته فرمان دهنده به زشتی است مگر آنکه پروردگارم رحم کند که همانا پروردگار من بسیار آمرزنده و مهربان است.

عکس

ص: 101



رابطه انسان با خلق (1)

خداآوند متعال انسان را فطرتاً موجودی اجتماعی آفرید و برای او در شئون مختلف اجتماعی مسئولیت های مختلف قرار داد. انسان همین طور که از بودن در کنار هم نوعان خود بهره مند می شود نسبت به تک تک آنها حقوق و تکالیفی متقابل پیدا می کند که باید بتواند به این حقوق و تکالیف جامه عمل بپوشاند.

تکالیف انسان نسبت به پدر و مادر، ارحم و خویشاوندان، مردم، حکومت اسلامی، جامعه اسلامی و هم نوعان خود و... بخشی از وظایفی است که برای انسان نسبت به دیگر افراد بوجود می آید و باید نسبت به آن عکس العمل و رفتار مناسب داشته باشد. وجود یک نظام ارزشی جامع و همه جانبه مانند دین در تبیین و ارائه ارزش ها و ضد ارزش های اجتماعی حقوق و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر نقش اساسی و تعیین کننده دارد.

ص: 103

---

1-. تذکر: مواردی که در این بخش به عنوان رابطه انسان با خلق آمده در صدد بیان محتواهای آیه بوده وگر نه این گونه عناوین مانند نکوهش تجسس و غیبت، حقیقتاً بیان رابطه نیست بلکه تبیین و توضیح وظیفه مکلف در این موارد است.

در این قسمت به بخشی از آیاتی که به نحوه تعامل و ارتباط انسان با دیگر افراد جامعه اشاره دارد پرداخته می شود و آیات مربوط به برخی از این روابط مانند رابطه با پدر و مادر، خویشاوندان و ارزش های مانند عدالت خواهی، امانت داری، وفای به عهد، عدم تهمت و تمسخر دیگران، خوش اخلاقی، آداب معاشرت و... جمع آوری شده است.

## ۱. احسان به پدر و مادر

احسان به پدر و مادر [\(1\)](#)

وَقَضَى رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيمَاهُ وَإِلَّا الْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَلْعَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تُقْلِنْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا  
کَرِيمًا [\(2\)](#).

و پروردگارت حکم قطعی کرد که جز اورانپرستید و به پدر و مادر (خود) نیکی کنید حال اگر در نزد تویکی از آن دویا هر دو به کهنسالی رسند (در مقابل زحمات یا خشونت های آنها اظهار ناراحتی مکن حتی) به آنان اف مگو و بر آنها فریاد مزن و سخن درشت مگو و با آنان سخنی کریمانه بگوی.

ص: 104

---

1- وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (اسراء / 24).  
2- . (اسراء / 23).

وَوَصَّيْنَا إِلِّيْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهُنَّا عَلَىٰ وَهُنِّ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ . [\(1\)](#)

و ما انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، در حالی که مادرش او را (در شکم خود در ایام بارداری) در حال ضعف روی ضعف حمل کرد و (شیر دادن و) از شیر جدا کردنش در دو سال بود، (گفتیم) که مرا و پدر و مادرت را سپاس گزار، که بازگشت (همه) به سوی من است.

وَوَصَّيْنَا إِلِّيْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَّهَ عَتْهُ كُرْهًا وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشْدَدَهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَهْنَةً قَالَ رَبُّ أُوزِعْنِي أَنَّ أَشْكُرْ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَىٰ وَ عَلَىِ الْوَالِدَيِّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْمِلُحْ لَيْ فِي دُرُّسِتِي إِنِّي تُبَشِّرُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ [\(2\)](#)

و ما انسان را سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، (خاصه مادر) زیرا مادرش (بار وجود) او را به سختی حمل کرده و به سختی فرو نهاده و (دوران) بارداری و (شیرخواری تا) از شیر گرفتن او سی ماه است (که مجموع کمترین مدت

ص: 105

---

. -1 . (لقمان / 14)

. -2 . (احقاف / 15)

زمان حمل شش ماه و بیشترین مدت زمان شیر دادن دو سال است، یا بیشترین زمان حمل یک سال و کمترین زمان شیر دادن هجده ماه). تا آن گاه که به کمال نیروی (جسمی و عقلی) خود و به چهل سالگی رسید گفت: پروردگارا، مرا الهام کن و توفیق ده تا نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته ای (نعمت ظاهری مادی و نعمت معنوی عقل و ایمان) سپاس گزارم و عمل صالحی که تو از آن خشنود شوی به جا آورم و فرزندانم را برای من صالح گردان، که من به سوی تو بازگشتم و بی تردید از تسليم شدگانم. (آیه درباره انسان مؤمن صالح است).

### 3. عدالت خواهی

#### عدالت خواهی (1)

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءِ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمُنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (2)

ای کسانی که ایمان آورده اید، (در هر کار فردی و اجتماعی) قیام کننده استوار و دائم برای خدا و گواهان به عدل و قسط باشد و هرگز دشمنی با گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقدیم نزدیکتر است و تقدیم پیشه کنید که همانا خداوند به آنچه می کنید آگاه است.

ص: 106

- 
- 1. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَا عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نحل / 90).  
-2. . (مائده / 8).

#### 4. امانت داری

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤْثِرُوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ يُعْلَمُ بِمَا يَعْمَلُونَ<sup>(1)</sup>

همانا خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش رد کنید (واجبات را به خدا و حقوق مردم را به مردم) و چون میان مردم داوری نمایید (در مورد نزاع یا درباره اشخاص و حوادث) عادلانه داوری کنید. حقاً که خداوند شما را به نیکو اندرزی موعظه می کند، همانا خداوند همواره شنوا و بیناست.

#### 5. اصلاح بین یکدیگر

...فَاقْتُلُوا الَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.<sup>(2)</sup>

...پس، از خدا پروا کنید و روابط ما بین خودتان را اصلاح نمایید (وبر سر اتفاق نزاع نکنید) و از خدا و فرستاده اش اطاعت نمایید اگر مؤمنید.

ص: 107

. -1 .(نساء / 58)

. -2 .(اتفاق / 1)

## 6. وفای به عهد

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَاهَدُوهُمْ رَاوُونَ. [\(1\)](#)

و آنان که امانت های خود (خلقی یا خالقی) و پیمان های خود را (پیمان هایی که خدا با آنان بسته یا خود با خود یا خود با مردم بسته اند) رعایت کننده اند.

## 7. نکوهش پیروی از گمان

وَ مَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يَعْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ. [\(2\)](#)

و بیشتر آنها (در اعتقاد اشان) جز از ظن و گمان پیروی نمی کنند، با آنکه بی تردید (ظن و) گمان از هیچ حقیقی بی نیاز نمی سازد، همانا خداوند به آنچه می کنند داناست.

## 8. نکوهش تجسس و غیبت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَبِيُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِنْمَّا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيْحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يُكْلَ لَحْمَ أَخِيهِ

ص: 108

---

. -1 . (مؤمنون / 8)

. -2 . (يونس / 36)

مَيْتًا فَكَرِهُتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابُ رَحِيمٌ. (1)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از گمان ها جدّاً پرهیزید، زیرا که (پیروی) برخی از گمان ها (گمان بدی که مخالف واقع باشد) گناه است و (چون معلوم نیست پس باید از همه پرهیز نمود و از عیوب و اسرار دیگران) تجسس و کاوش نکنید و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟.

## 9. نکوهش تهمت

وَ الَّذِينَ يُؤْذِنُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا أَكْسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَ إِنَّمَا مُبِينًا. (2)

و آنهایی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را بی آنکه جرمی مرتکب شده باشند می آزارند حقاً که متهم شده باشند و گناهی آشکار شده اند (زیرا لازمه آزار، نسبت جرم به آنهاست و آن خود بهتان است).

## 10. نکوهش تمسخر دیگران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يُسْخِرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يُكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَ لَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يُكُونُوا خَيْرًا مِنْهُنَّ وَ لَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَ

ص: 109

. (حجرات/12). -1

. (احزاب/58). -2

لَا تَنَابِرُوا بِالْأَلْقَابِ بِسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُّبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ . (1)

ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگز گروهی (از مردان شما) گروه دیگر را مسخره نکند شاید آن گروه (مسخره شدگان) بهتر از آنان باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آن گروه بهتر از آنان باشند و از یکدیگر عیب جویی نکنید و همدیگر را به لقب های زشت مخوانید بد نام گذاری است (یاد کردن مؤمن به) فسق پس از ایمان (مؤمن را به نام مرتكب گناهان خواندن) و آنان که توبه نکنند آنها بیند که ستمکارند.

## 11. نکوهش عیب جویی

وَيَلِ لِكُلِّ هُمَزةٍ لُّمَزةٍ . (2)

وای بر هر عادت کننده به عیب جویی مردم و بدگویی دیگران!

## 12. نرم خوبی و عفو دیگران

فِيمَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ لِنَتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظَّا غَلِيلَ الْقَلْبِ لَا تَنْقُضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَّمْتَ

ص: 110

. (حجرات / 11) -1

. (همزة / 1) -2

**فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ**.[\(1\)](#)

پس به برکت رحمتی از جانب خداوند با آنها (امت خود) نرم خوشدی و اگر بد خلق و سخت دل بودی حتماً از دورت پراکنده می شدند. پس، از آنها درگذر و برایشان آمرزش طلب و در کارها با آنان مشورت نما و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، که بی تردید خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.

### 13. عدم ترش رویی

**وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْسِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يِحِبُّ كُلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ.**[\(2\)](#)

وروی خود را به نخوت از مردم بر مگردان و در روی زمین با ناز و تکبیر راه مرو، که خداوند هیچ متکبر خودپسند و فخرفروش را دوست ندارد.

### 14. اعتدال در رفتار و عدم تکبر

**وَ لَا تَمْسِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبالَ طُولاً.**[\(3\)](#)

ص: 111

---

-1. . (آل عمران / 159).

-2. . (لقمان / 18).

-3. . (اسراء / 37).

و در روی زمین با کبر و سرمستی راه مرو، زیرا تو (هر چند قوی باشی) هرگز نمی توانی (با گام هایت) زمین را بشکافی و هرگز نمی توانی در بلندی به کوه ها برسی.

## 15. سلام گردن

فِإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يَبِينُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ .<sup>(1)</sup>

و چون به خانه هایی وارد شدید بر خویشتن (بر خویشان و هم کیشان خود) سلام کنید سلامی از جانب خدا پربرکت و پاکیزه. این گونه خداوند آیات (احکام) را برای شما بیان می کند، باشد که بیندیشید.

## 16. جواب سلام و تحيت

و إِذَا حُيِّشْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيِّوْا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا.<sup>(2)</sup>

و چون به شما تحيت و درودی گفته شد شما تحيتی نیکوتر از آن یا همانند آن را بگویید، که بی تردید خداوند حسابرس همه چیز است.

ص: 112

---

. (نور / 61) . -1

. (نساء / 86) . -2

## 17. دوری از لغو

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ. [\(1\)](#)

و آنان که از هر بیهوده و زشت روی گردانند.

## 18. گفتار محکم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا. [\(2\)](#)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار گویید.

## 19. صبر

صبر [\(3\)](#)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [\(4\)](#)

ص: 113

1- . (مؤمنون /3).

2- . (احزاب /70).

3- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَ تَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ \* وَ لَا - تُقُولُوا لِمَنْ يَقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكُنْ لَا شَعْرُونَ \* وَ لَنَبْلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُحْيِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الشَّمَراتِ وَ بَشِّرُ الصَّابِرِينَ \* الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بقره /156 تا 153).

4- . (آل عمران /200).

ای کسانی که ایمان آورده اید، شکیبایی ورزید و دیگران را نیز به شکیبایی وادارید و در برابر دشمن پایداری کنید و مرزداری نمایید و از خدا پروا کنید شاید رستگار گردید.

وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ [\(1\)](#)

و البته کسی که (با وجود قدرت بر انتقام) صبر کند و درگذرد، حقاً که آن از کارهای مهم است.

إِنِّي جَزَيْنَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَاثِرُونَ [\(2\)](#)

حقاً که من امروز آنها را در مقابل صبرشان پاداش دادم که آنها همه کامیابند.

ص: 114

---

. -1 . (شوری / 43)

. -2 . (مؤمنون / 111)

عکس

□

ص: 115



در اسلام رابطه انسان با طبیعت، رابطه کشاورز است با مزرعه، رابطه بازار تجارت، رابطه عابد است با معبد. برای کشاورز، مزرعه هدف نیست ولی وسیله هست؛ یعنی محل زندگی و کانون زندگی کشاورز است اما از این مزرعه است که وسائل خوشی و سعادتش را به دست می آورد. یک کشاورز باید به مزرعه برود و زمین را شخم بزند، بذر پاشد و زمین را آباد کند. بعد که محصول روید، اگر علف هرزه ای پیدا شد و جین کند و بعد درو و سپس خرمن کند. این کلام پیامبر است: «الْدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ»<sup>(۱)</sup> دنیا کشتزار عالم آخرت است. بله، اگر کشاورز مزرعه را با خانه و مقر خود اشتباه کند، خطأ کرده است. مزرعه را به عنوان مزرعه بودن، نباید با چیز دیگری اشتباه کند. بازار برای یک بازرگان جای کار است که سرمایه و عمل و تلاشی را برای سود و درآمد بیشتری به کار اندازد و برآنچه دارد بیفزاید. برای

ص: 117

---

1- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، جلد 1، ص 183.

بهره مندی بهتر از این بازار و مزرعه باید به قوانین و مقررات آن تن داد. محدودیت های آن را برای داشتن زندگی بهتر و برای بدست آوردن رضایت الهی که مالک این عالم است رعایت کرد.

## ۱. زمین

### (1) زمین

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ يُكْلِلُ شَيْءًا عَلَيْمٌ<sup>(2)</sup>

اوست که آنچه در این زمین است همه را برای شما آفرید، سپس به (آفرینش) آسمان پرداخت پس آنها را به صورت هفت آسمان (مطابق حکمت و خالی از نقص در خلقت) مرتب و منظم ساخت و او به همه چیز داناست.

...هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّيَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.<sup>(3)</sup>

اوست که شما را از این زمین آفریده (جد و جده اول تان را بلا واسطه و نسل آنها را با واسطه خلق نموده) و شما را در آن زندگانی داده و آباد کردن آن را از شما

ص: 118

---

-1 . وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ \* فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالثَّنْجُلُ ذَاثُ الْأَكْمَامِ \* وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ \* فِيَّ أَلَاءٌ يُكَذِّبُهَا تُكَذِّبُهَا تُكَذِّبُهَا (الرحمن / 10 تا 13).

. -2 . (بقره / 29).

. -3 . (هود / 61).

خواسته، پس از او درباره گناهان تان آمرزش بخواهید، آنگاه (با عمل های شایسته) به سوی او بازگردید، به یقین پروردگار من (به بندگانش) نزدیک و (دعاهایشان را) اجابت کننده است!

## 2. آسمان

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بِيَنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا.  
[\(1\)](#)

خداست که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آنها (هفت عدد کره زمین، یا هفت طبقه زمین، یا هفت اقلیم از سطح کره زمین بیافرید)، اراده حتمی (مبدأ واجب در آفرینش آنها بر حسب ترتیب خلقت) در میان آنها (از نخستین مخلوق ممکن تا آخرین مراتب آن به تدریج) فرود می آمد (تا همه را هست نمود) و فرمان (حاکم حقیقی به فرشتگان) در میان آنها (درباره تدبیر و تصرف و تنظیم نظام اتم آنها) همواره فرود می آید، تا بدانید که خداوند بر همه چیز تواناست و علم خداوند به همه چیز احاطه دارد.

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِباقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوْتٍ فَإِذْ جِئْنَاهُ لَمْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ  
[\(2\)](#)

ص: 119

. -1 . (طلاق/12)

. -2 . (ملک/3)

همان که هفت آسمان را طبقه هایی (روی هم) آفرید، هرگز در آفرینش خدای رحمان (از نظر زیبایی، استواری و اتقان صنع) تفاوت و ناهمگونی نمی بینی، پس بار دیگر بنگر آیا (در خلق اشیا) هیچ خلل و شکاف (و خلاف حکمت) می بینی؟

### 3. حیوانات

وَ مِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَ فَرْشاً كُلُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّعِنُوا خُطُوطَ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌ مُّبِينٌ. (1)

و نیز از چهارپایان حیواناتی بزرگ و کوچک و پشم و کرک ده و سواری و بارکش و خوراکی (پدید آورده)، از آنچه خدا روزی شما کرده بخورید (وبرخوردار شوید) و از گام های شیطان (در تشریع حلال و حرام و ارتکاب حرام) پیروی نکنید، که همانا او برای شما دشمنی آشکار است.

وَ هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِنَا كُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ سَهَّلَ تَحْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبِسُونَهَا وَ تَرَى الْفُلْكَ مَوَالِحَ فِيهِ وَ لِتَبَتَّغُوا مِنْ فَصْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (2)

و اوست همان که دریا را رام کرد تا از آن گوشت تر و تازه بخورید و از آن زینت هایی که می پوشید (مانند لؤلؤ و مرجان) استخراج نمایید و کشتی ها در آن

ص: 120

---

. (انعام / 142) .-1

. (نحل / 14) .-2

می بینی که شکافنده اند (سینه آب را، برای برآوردن نیازهای مختلف شما) و برای آنکه (به تجارت وغیره) از فضل خدا جستجو کنید و باشد که شکرگزارید.

ص: 121



## فهرست الفبایی موضوعات

احسان به پدر و مادر. 104

اسماء حسنای الهی. 33

اصلاح بین یکدیگر. 107

اعتدال در رفتار و عدم تکبر. 111

اعراف. 76

امانت داری. 107

امکان معاد. 47

امیدواری به رحمت خداوند متعال. 95

اولویت احسان به مادر نسبت به پدر. 105

ایمان به معاد و آخرت. 51

آسمان. 119

آیات انسان سازی (اخلاق). 87

آیات انفسی (خداشناسی فطری). 38

آیات آفاقی و آیات انفسی. 36

آیات آفاقی. 37

آیات خداشناسی. 15

آیات معاد شناسی. 45

براهین اثبات خداوند. 15

براهین معاد. 48

ص: 123

برزخ 58

برهان امکان و وجوب 19

برهان حدوث و حرکت 15

برهان حکمت 48

برهان رحمت 49

برهان عدالت 50

برهان علت و معلول 17

بهشت و اوصاف آن 79

پیروی از شهوت و نکوهش آن 100

تقوای الهی و توکل 90

توبه 99

توحید افعالی 26

توحید در استعانت 32

توحید در ربویت 28

توحید در عبادت 30

توحید در خالقیت 27

توحید ذاتی 20

جواب سلام و تحيت 112

حساب 67

حیوانات 120

خشوع و خشیت 92

خوف الـ 91

در آستانه قیامت 60

ص: 124

دلیل عقلی 22

دلیل نقلی 24

دوری از لغو 113

دوزخ و اوصاف آن

77

رابطه انسان با خداوند 89

رابطه انسان با خلق 103

رابطه انسان با خویشتن 97

رابطه انسان با طبیعت 117

روابط انسانی 87

زمان قیامت 62

زمین 118

سلام کردن 112

سوء ظن به خود 100

شاهدان 69

شب زنده داری 93

شرک بزرگترین گناه نابخشودنی 43

شرک در ذات 40

شرک در ربویت 42

شرک در عبادت 41

شرک در عمل (شرک خفی) 43

شفاعت 73

شكر الہی 90

صبر 113

ص: 125

عدالت خواهی 106

عدم ایمان به آخرت 53

عدم بدگمانی به خداوند متعال 94

عدم ترش رویی 111

عفت و پاکدامنی 99

گفتار محکم 113

محشر 66

مراتب توحید 20

مراتب شرک (شرک جلیّ) 39

مراقبه 98

مرگ 56

معاد جسمانی 83

مقدمه 9

میزان 71

نرمخویی و عفو دیگران 110

تفخ صور 64

نکوهش پیروی از گمان 108

نکوهش تجسس و غیبت 108

نکوهش تمسخر دیگران 109

نکوهش تهمت 109

نکوهش عیب جویی 110

وفای به عهد 108

ص: 126

تفسیر و ترجمه‌های قرآن

\*انصاریان حسین، ترجمه قرآن، قم: انتشارات اسوه، 1383 ش.

\*جوادی آملی عبد الله، تفسیر موضوعی قرآن معاد در قرآن، قم: انتشارات اسراء 1381 ش.

\*حیدری فرمجید، مدرسه ترنم توحید (توحید و شرك در آینه وحی)، قم: جامعه المصطفی العالمیه، 1387 ش.

\*سبحانی جعفر، منشور جاوید، قم: انتشارات توحید [بی تا].

\*طباطبائی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: موسوی همدانی سید محمد باقر، قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1374 ش.

\*عبدالباقي، فؤاد معجم المفہرس لالفاظ القرآن، تهران: اسماعیلیان، 1364 ش.

\*محمدیان محمد، الفهرست الموضوعی لآیات القرآن، تهران: انتشارات مشکات [بی تا].

\*مشکینی علی، ترجمه قرآن، قم: انتشارات الهدی، 1381 ش.

\*مطهری مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، 1380 ش.

\*مکارم شیرازی ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، ج 1، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم، 1382ش.

\*مکارم شیرازی ناصر، پیام قرآن، قم: انتشارات نسل جوان [بی تا].

\*مکارم شیرازی ناصر، ترجمه قرآن، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، 1373ش.

\*مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، 1374 ش. متفرقه

\*پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، قم: ناشر زمزم هدایت، چاپ دوم 1386 ش.

\*حسینی تهرانی محمد حسین، معادشناسی، [بی جا]، انتشارات نور ملکوت قرآن، 1422ق.

\*ورام بن أبي فراس، مسعود بن عیسیٰ، تنبیه الخواطر و نزهۃ النواظر معروف به مجموعه ورام، قم: ناشر مکتبة فقیہ، 1410 ق.

\*نرم افزار جامع تفاسیر نور 2.5.

ص: 128

بسمه تعالیٰ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذرورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود. برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز پیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021-88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**www.Ghaemiyeh.com**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعة و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

**۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹**

